ادب و آداب

زائر

حسین انصاریان

بسم الله الرحمن الرحیم

ادب و آداب زائر

نویسنده:

حسین انصاریان

ناشر چاپی:

مشعر

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

ادب و آداب زائر

مشخصات کتاب

سرشناسه : انصاریان، حسین، ۱۳۲۳-

عنوان و نام پدیدآور : ادب و آداب زائر/تالیف حسین انصاریان.

مشخصات نشر : تهران: مشعر، ۱۳۸۷.

مشخصات ظاهری : ۹۵ ص. .م‌س ۲۱×۱۲

شابک : ۶۰۰۰ ریال ۹۷۸-۹۶۴-۵۴۰-۰۹۶-۳

وضعیت فهرست نویسی : فیپا

یادداشت : کتابنامه به صورت زیرنویس.

موضوع : حج.

موضوع : زیارت -- آداب و رسوم.

رده بندی کنگره : BP۱۸۸/۸/الف۸۷الف۴ ۱۳۸۷

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۳۵۷

شماره کتابشناسی ملی : ۱۲۰۸۸۰۹

ص: ۱

اشاره

ص: ۲

ص: ۳

ص: ۴

ص: ۵

ص: ۶

ص: ۷

مقدمه

زیارت بیت‌الله الحرام، علاوه بر انجام مناسک فقهی، باید با ادب و آداب تربیتی، اخلاقی و معنوی همراه شود تا قبول حریم صاحب خانه گردد.

در این چند سفری که توفیق، رفیق راه زیارتم شد، با دقت در وضع برخی از زائران که احتمالًا به جهت ناآگاهی یا توجیه نشدن پیش از سفر، ادب و آداب این سفر بی‌نظیر معنوی را رعایت نمی‌کردند، در اندیشه نوشتن رساله‌ای مختصر در این زمینه برآمدم؛ به صورتی که روحانیون کاروان بتوانند در جلسات برای زائران بازگو کنند و زائران نیز در طول سفر ظرف چند ساعت از آن بهره‌مند گردند، تا به خواست حضرت دوست حجّی قابل قبول به جای آورند. این رساله با تکیه بر آیات قرآن و روایات معتبر تنظیم شده و در سفر حج و عمره برای زائران کاربرد معنوی خواهد داشت. ان‌شاء الله

حسین انصاریان

۲۲/ ۲/ ۱۳۸۶

ص: ۸

ص: ۹

مواقف کریمه

توفیق زیـارت کعبه مشـرّفه، نخستین عبادتگـاهی که روی زمین و به فرمان حضـرت حق برای عبادت انسان بنا شـد، توفیقی خاص و عنایتی ویژه از سوی خدای مهربان است که نصیب بنده مؤمن می‌شود.

زائر از برکت این سفر، به ثواب عظیم و پاداش فراوانی می‌رسد که در دیگر سفرها چنین ثواب و پاداشی برای او میسّر نیست.

در این سـفر روحـانی و معنـوی، چشم انسـان به کعبه روشن می‌شود و به زیـارت خـانه‌ای موفّق می‌گردد که دو پیـامبر بزرگ الهی، حضرت ابراهیم و اسماعیل ۸ با کمال خلوص آن را بنا کردند (۱) تا قبله عبادت عابدان، و رویکردی معنوی به سوی حق باشد.

کعبه، یک سنگ نشانی است که ره گم نشود حاجی، احرام دگر بند ببین یار کجاست!

۱- بقره/ ۱۲۷(وَ إِذْ یَرْفَعُ إِبْراهِیمُ الْقَواعِدَ مِنَ الْبَیْتِ وَ إِسْماعِیلُ ...).

ص: ۱۰

در این سفر ملکوتی، زائر به خانه‌ای می‌نگرد که به فرموده امام‌صادق(ع) دارای دو سود معنوی و دو نصیب ملکوتی است:

«مَن نَظَر إلی الکَعْبَةِ عارِفاً فَعَرَفَ مِن حَقِّنا وَحُرمَتِنا مِثلُ الَّذِی عَرَفَ مِن حَقِّها وَحُرْمَتِها، غَفرَ اللهُ لَهُ ذُنُوبَهُ کُلَّها وَکَفاهُ هَمَّ الدُّنیا وَالآخِرَة»؛ (۱)

«کسی که به کعبه به عنوان بیت‌الله و قبله عبادت بنگرد، و حق امامت و حرمت ما را بشناسد، مانند کسی که آگاه به حق و حرمت کعبه است، خداوند همه گناهانش را می‌آمرزد و همّ و غمّ دنیا و آخرت او را برطرف می‌سازد».

آری، زائر به زیارت خانه‌ای مشرّف می‌شود که از هر جهت در کمال اعتدال است؛ نه همچون قصر کاخ‌نشینان است که از خون دل ضعیفان و غارت‌شدگان ساخته شده باشد و نه چون ویرانه جغدهای افسرده و دل‌شکسته است.

خانه‌ای است که بنا، مصالح، طول و عرض، حجم و مقدار سطحی که به خود اختصاص داده، به همه می‌آموزد تا در تمام کارها جانب اعتدال را رعایت کنند و از افراط و تفریط بپرهیزند.

۱- الکتب الاربعه، ج ۶، بخش من لایحضره الفقیه، ص ۱۹۹، حدیث ۲۱۳۱.

ص: ۱۱

روح و معنویت این خـانه «توحیـد» است، و زبـانش «وحی»! که از افق قلب محمّـد(ص) در کنار آن طلوع کرد و نفوذ و پیامش را به سراسر عالم گسترانید.

(لَلَّذِی بِبَکَّهَ مُبارَکاً وَ هُدیً لِلْعالَمِینَ) (۱).

کعبه پرچم دولت خدا، حکومت حق و نشانه و علامت همه ارزش‌هاست، و سر فرود آوردن در برابر این پرچم و اطاعت از حقایقی که رمز و راز آن است و به صورت وحی تجلّی دارد، برهمگان به صورت یکنواخت واجب و لازم است.

به عبارت دیگر، گشـتن و طواف دور آن برای زائران عملی است الهی و ملکوتی که به تصـفیه روح و جان و سـعادت دنیا و آخرت می‌انجامد.

بر همه مسـلمانان سـرزمین‌های مختلف، واجب است بـا حضور ذهن و توجه قلبی و بـا نظمی ویژه به صف عبادت در آینـد و روزی پنـج نوبت بـا تواضع رو سوی کعبه نموده، پیشانی بر خاک ساینـد. حتی مردگان خود را در قبر در این صف خوابانیـده، رو به کعبه گذارند، و نیز حیوانات را به هنگام ذبح در این صف در آورند تا با گوشت حلال تغذیه کنند.

زائران باید از توجه به کعبه، به توحید، نبوّت

۱- آل عمران/ ۹۶. «که در سرزمین مکّه است، پربرکت و مایه هدایت جهانیان است.»

ص: ۱۲

پیامبران، ولایت اهل‌بیت:، و ارزش‌های معنوی، پی‌ببرند و چراغ هدایت را در قلب خویش بیفروزند.

کعبه و مشاهد مشرّفه و مواقف کریمه متصل به آن، از چنان ارزش و عظمتی برخوردار است که امام حسن مجتبی بیست و پنج بار این راه را پیاده پیمود؛ این پیاده‌رَوی به سبب دریغ از بذل مال در راه آن نبود، بلکه معرفت به عظمت خانه و ارزش این سفر، آن حضرت را به پیاده رفتن به سوی آن نقطه امن وا می‌داشت.

کاروانی که به سوی کعبه حرکت می کند، باید بداند و آگاه باشد که سفرش به سوی منطقه امن الهی است؛ حریمی که گیاهان و حیوانات آن نیز باید صدمه و گزندی نبینند.

برخلاف آموزه‌های یهودیان و مسیحیان- که اسلام را دین خشونت می‌پندارند- اسلام، دین صلح و آرامش و حفظ حریم‌هاست؛ مگر این که دشمن قصد تعدّی داشته باشد. اگر در اسلام جهادی واقع می‌شود، برای علاج و درمان طغیان‌های بشری و پایان دادن به ظلم و ستم است.

زائران باید با توجه به اعمال و مناسک هریک از این مکان‌های مقدّس، پای در این سفر معنوی بنهند تا به حقیقت، به ادای حجّی ابراهیمی موفق شوند و زیارت و حجشان کامل و جامع شده، مورد قبول حضرت حق باشد. سهل‌انگاری و کوتاهی در انجام عبادات حج، موجب

ص: ۱۳

ناقص ماندن و نرسیدن به نقطه‌قبولی است.

شیخ صدوق/ آورده است:

حاجیان بر سه گروه‌اند:

اول: کسانی‌اند که بهره آنان افزون‌تر است؛ گناهان گذشته و آینده‌شان آمرزیده می‌شود و خدا، آنها را از «عذاب قبر» مصون و محفوظ خواهد داشت.

دوم: کسانی‌اند که گناهان گذشته آنها آمرزیده می‌شود و در بقیه عمر باید عمل را از سر بگیرند.

سوم: کسانی هستند که فقط اهل و مالشان حفظ می‌شود؛ یعنی حجّشان قبول نمی‌شود. (۱) زائری که آداب این سفر، و حقوق همسفرانش را رعایت ننماید، از ثواب و پاداش حج محروم است و تنها بهره‌اش از حج این است که زنده به سوی مال و اهلش بازگردد!

برای دانستن ثواب و پاداش حج به روایت بسیار مهم و فوق العاده‌ای که از امام‌باقر(ع) نقل شده، توجه کنید:

«محمد بن قیس می‌گوید: از حضرت باقر(ع) شنیدم که این حدیث را در مکه برای مردم می‌فرمود:

رسول خدا(ص) نماز صبح را با اصحاب خواند، سپس

۱- الکتب الاربعه، ج ۶،(بخش من لا یحضره الفقیه)، ص ۲۰۵، حدیث ۲۲۱۸ و ۲۲۱۹.

ص: ۱۴

تا طلوع خورشید با آنان به نقل حدیث و گفت‌وگو پرداخت. مردم، یکی پس از دیگری از محضرش برخاسته، رفتند؛ تا جایی که جز دو نفر کسی باقی نماند. یکی، مردی انصاری از اهل مدینه و دیگری، مردی ثقفی از اعراب بادیه‌نشین بود.

پیامبر به آن دو نفر فرمود: می‌دانم که شما حاجتی دارید و می‌خواهید مسأله‌ای سؤال کنید. اکنون اگر بخواهید، من شما را به حاجتی که دارید، پیش از آن که از من بپرسید، خبر دهم، و اگر مایلید، شما از من سؤال کنید. آن دو نفر گفتند: یا رسول الله! شما بگویید، چرا که گفتار شما چشم کور را روشنی می‌بخشد و هر شکّ و شبهه‌ای را دور کرده، ایمان را پابرجاتر می‌کند.

پس از آن، رسول خدا(ص) رو به مرد انصاری کرد و از او خواست تا مسأله شخص دوم را- که بادیه‌نشین بود- مقدم دارد، تا او زودتر به منزل خود برسد. از این رو، فرمود: ای برادر انصاری! اوّل نوبت را به او بده، تو از قومی هستی که دیگران را برخود مقدم داشته، ایثار می‌کنند. حال، آیا حاضری که او مسأله خود را مقدم بدارد، چون تو اهل قریه‌ای و این ثقفی، صحرانشین است و راهش دور. گفت: بلی؛ رسول خدا(ص) به آن مرد ثقفی فرمود:

آمده‌ای که از من درباره وضو و نمازت بپرسی که چه ثوابی در آنهاست؟!

... آنگاه ثواب وضو و نماز او را بیان کرد. سپس

ص: ۱۵

به آن شخص انصاری فرمود: اما تو ای برادر انصاری! آمده‌ای که درباره حج و عمره خود بپرسی که چه ثوابی دارد؟!

بدان هرگاه که تصمیم به حج گرفتی و راه حج را برگزیدی، سپس سوار مرکب شدی و گفتی: «به نام خدا» و مرکب حرکت کرد، هرگامی که به زمین می‌نهی و برمی‌داری، خدا برای تو پاداشی نوشته، و گناهی را پاک می‌کند؛ هنگامی که احرام بستی و لبیک گفتی، خداوند به ازای هر لبیک تو، ده حسنه می‌نویسد و ده گناهت را محو می‌نماید.

و همین که هفت مرتبه طواف بیت را انجام دادی، با خدا عهد و پیمانی می‌بندی که خدا تو را عذاب نکند.

و چون دو رکعت نماز طواف را نزد مقام ابراهیم(ع) به جای آوردی، برایت دو هزار رکعت نماز پذیرفته شده می‌نویسد.

و همین که سعی صفا و مروه را انجام دادی، پاداش کسی را خواهی داشت که با پای پیاده حج‌گزارده باشد و هفتاد غلام مؤمن را در راه خدا آزاد کرده باشد.

هنگامی که وقوف در عرفات را تا غروب به جاآوردی، اگر گناهانی به تعداد تمام ریگ‌های صحرای «عالج (۱)» و کف دریاها داشته باشی، خدا آنها را می‌آمرزد.

۱- عالج، منطقه‌ای ریگزار در راه مکه؛ معجم البلدان، ج ۴، ص ۷۰.

ص: ۱۶

و چون به منا آمدی و ریگ‌های خود را به جمره‌ها زدی، به ازای هر ریگ پرتاب شده، ده حسنه نوشته می‌شود و این ثواب در بقیه عمرت همواره ثبت می‌شود ...

و همین که سر خود را تراشیدی، به تعداد هر مویی حسنه‌ای نوشته می‌شود و این ثواب را نیز در بقیه عمرت همواره می‌نویسند ...

و چون قربانی کردی، به ازای هر قطره خونی که از قربانی به زمین می‌ریزد، خداوند حسنه‌ای برایت می‌نویسد ...

و چون از منا به مکه بازگشتی و طواف زیارت انجام دادی و نزد مقام ابراهیم(ع) دو رکعت نماز طواف به جا آوردی، فرشته‌ای به شانه‌ات می‌زند و می گوید:

گناهان گذشته‌ات آمرزیده شد، پس از حالا تا صد و بیست روز عمل را از سر بگیر!» (۱) زائران حرم باید توجه داشته باشند که در احادیث دیگر، پاداش‌ها و ثواب‌هایی بیان شده که عقل از درک آن عاجز است. در عین حال، این مجموعه احادیث، گوشه‌ای از پاداش‌عظیم زائران را بیان کرده‌اند.

محیط امن و امان

اشاره

زائر همواره و در هر لحظه باید توجه داشته باشد که

۱- الکتب الاربعهٔ، ج ۶، بخش من لایحضره الفقیه، ص ۱۹۸، حدیث ۲۱۲۸.

ص: ۱۷

به محیطی گـام نهـاده که برای همه موجودات، محیـط امن و امان است؛ محیطی که درختان آنجا، بـدون آن که آنها را با قفس‌های آهنین زره‌پوش کنند، از تجاوز در امان‌اند، حتی شاخه‌ها و بیخ و بن و ریشه و نیز بوته‌ها در مصونیت‌اند.

حتی اگر به درختی که در حرم (۱) روییـده و شاخه‌هـایی از آن بـه بیرون حرم سر در آورده، به احـترام این که اصـل آن در حرم است، نمی‌توان تجاوز کرد و از آنها شکست و نیز اگر درختی در بیرون حرم روییده ولی شاخه‌ای از آن سر به حرم کشیده باشد، به هیچ‌جای آن درخت نمی‌توان ارّه گذاشت و تجاوز کرد، و یا شاخه آن را شکست!

در محیطی قـدم می‌گذارنـد که حیوانات و پرنـدگان و آهوان صـحرا چهارفرسخ در چهارفرسخ از تعرّض انسان در امان‌اند؛ بنابراین نمی‌رمنـد، و نمی‌توان آنها را وحشت‌زده کرد و رم داد. خلاصه این‌که حیوانات، پرنـدگان و گیاهان همه در محیط امن الهی به سـر می‌برند و هیچ کس در محدوده حرم حقّ تعرّض بدانها را ندارد.

«مسـافران بـه سـوی بیت، به محیطی وارد می‌شونـد که اگر کسـی در آنجـا کبـوتری را از دسـته کبـوتران رَم دهـد، برای جـبران این بی‌انضباطی باید یک گوسفند کفّاره دهد،

۱- محدوده حرم، چهارفرسخ در چهارفرسخ است.

ص: ۱۸

و هرگاه آن کبوتران رفتند و به جای خود بازنگشتند باید به تعداد هر کبوتر یک گوسفند کفّاره بدهد.

به محیطی درمی‌آیند که حمل اسلحه و ابزار اسلحه در آنجا ممنوع و جرم است، باید دل هرکسی در آن محیط، آرام و مطمئن باشد که احدی به او تعرّض نمی‌کند.» (۱) حاجی به محیطی گام می‌نهد که اگر از کسی نسبت به دیگری ظلمی سرزند، در حکم الحاد و خروج از دین و به منزله بی‌دینی است.

به محیطی می‌رود که اگر کسی مال بی‌سرپرستی از قبیل: چمدان، و کیف و اشیای دیگر- چه گران قیمت و یا ارزان- جلوی پای خود دید، نباید آن را بردارد و اجازه ندارد حتی انگشت پایی به آن بزنند.

اینها احکام الهی محیط حرم است چه موسم حج باشد و چه در غیر موسم حج؛ برای همه نیز یکسان است چه زائر و چه غیر زائر؛ چه مُحرم و چه غیرمُحرم!

البته برای زائران و حاجیان در موسم حج از ابتدای میقات تا پایان اعمال، تکالیف بیشتر و انضباطات فوق‌العاده‌تری وجود دارد که لازم است مراعات کنند (۲)، و بی‌تردید رعایت آن آداب، زمینه قبولی حج است.

۱- آفاق کعبه، ص ۳۹.

۲- همان.

ص: ۱۹

در اینجا و با رعایت اختصار، آداب لازم برای هر زائر، به فراخور حال آورده می‌شود؛ باشد که مسافران حرم امن الهی، آنها را رعایت کنند و حج خود را با رعایت آن آداب، به مرحله قبولی برسانند.

۱. هزینه سفر

کسی که قصد حج یا عمره دارد، لازم است هزینه این سفر را از مال حلال و پاک بپردازد. مال حلال و پاک، مالی است که از طریق کسب مشروع و زحمت و کوشش صحیح به دست آمده باشد و حتی ذرّه‌ای آغشته به مال غصب، رشوه، دزدی، ربا، کم‌فروشی، حقّ ارث دیگران، اختلاس، و مال به دست آمده از راه فتنه‌گری و فساد در آن نباشد، و همه خمس و زکات و حقوق واجب و شرعی آن را پرداخته باشد.

حتی اگر ذرّه‌ای از مال حرام در این سفر آغشته با مال حلال باشد، یقیناً مانع از قبولی است، چه رسد به این که همه هزینه سفر از حرام باشد!! چه، در این صورت صاحبان مال حرام، نه مستطیع‌اند و نه می‌توانند به این سفر معنوی بروند.

آنان که خمس و زکات مال حلال به دست آمده را نپرداخته‌اند، براساس آیات و روایات و فتوای همه فقهای شیعه، ثروتشان مخلوط به حرام است، و باید برای پاک شدن

ص: ۲۰

ثروتشان تا آخرین درهم و دینار خمس و زکاتشان را بپردازند، آنگاه از آن پول تصفیه شده، حوله احرام و کفش لازم را بخرند، و پول قربانی را جدا بگذارند، و بقیه هزینه سفر را تأمین نمایند.

امام صادق(ع) می‌فرماید:

«مَن أَنفَقَ دِرهماً فِی الحَجّ کانَ خَیراً لَهُ مِن مِأئَهِ أَلفِ دِرهَم یُنفِقُها فی حَقٍّ ...

وَرُوِیَ أَنَّ دِرْهَماً فِی الحَجِّ خَیرٌ مِن أَلفِ أَلفِ دِرهَم فِی غَیْرِهِ، وَدرهم یَصِلُ إِلی الإمام مِثل أَلف أَلف دِرْهَمٍ فِی حَجٍّ.

وَرُوی أَنَّ دِرْهماً فِی الحَجِّ أَفْضَل مِن أَلفَی أَلف دِرهَمٍ فیما سواهُ فِی سَبیلِ اللهِ عَزّوَجَلَّ». (۱)

یک درهم هزینه کردن در راه حج، بهتر است از صدهزار درهم در راه دیگری که آن هم حق باشد.

و روایت شده انفاق یک درهم در حج، بهتر از یک میلیون درهم در غیرحج است.

و یک درهم سهم امام را پرداختن، مانند هزینه کردن هزار هزار درهم در حج است.

و پرداختن درهمی در حج، بهتر از هزار هزار درهم در غیر آن است.

پس بیایید با پرداخت خمس و زکات و پاک کردن

۱- الکتب الاربعه، ج ۶، بخش من لایحضره الفقیه، ص ۲۰۴، حدیث ۲۲۱۴- ۲۲۱۶.

ص: ۲۱

اموال خود، در هنگام احرام لبیک بگوییم و بشنویم، مبادا در جوابمان بگویند: «لا لَبَّیْکَ وَلا سَعْدَیکَ ...».

رسول‌خدا(ص) فرموده:

«کُلُّ نَعیمٍ مَسؤُولٌ عَنْهُ صاحِبُهُ الّا ما کانَ فی غَزْوٍ أو حَجٍّ»؛ (۱)

«از هر نعمتی پرسش خواهد شد مگر پولی که در جهاد و حج هزینه شود».

از امام‌صادق(ع) نیز روایت شده: هنگامی که حضرت‌موسی(ع) حج به جای آورد، جبرئیل نزد او آمد. به جبرئیل گفت:

برای کسی که حجّ این خانه را با نیت صادقانه و هزینه پاک و حلال به جای آورد، چه پاداشی است؟

خداوند به جبرئیل وحی کرد که به او بگو: او را در رفیق اعلی با پیامبران، صدّیقان، شهدا و صالحان قرار می‌دهم و اینان، رفیقانی نیکو هستند. (۲) پس اگر کسی ثروتش را از راه حرام به دست آورده باشد، مستطیع نیست، اگر هم مال حلال مخلوط به حرام دارد، لازم است پیش از سفر حج تصفیه کند، و اگر پس از تصفیه به اندازه هزینه حج باقی بماند، مستطیع است.

حضرت موسی بن جعفر(ع) فرمود:

۱- الکتب الاربعه، ج ۶، بخش من لایحضره الفقیه، ص ۲۰۳.

۲- همان، ج ۱، ص ۲۰۷.

ص: ۲۲

ما(اهل‌بیت) سه چیز را از اصل مال خویش یا مال پاک خود می‌پردازیم:

۱. مهریه زنان؛

۲. هزینه سفر حج؛

۳. پول کفن.

اگر در میان زائران خانه خدا، کسانی باشند که تحت تأثیر آیات حج و روایات آن، و آداب ظاهری و باطنی‌اش قرار نگیرند و مال و باطن و اعمال و اخلاق خویش را تصفیه نکنند، باید پیش از ورود به عرصه ملکوتی حج از خواب غفلت بیدارشان کرده، حجاب‌های ظلمانی را از چهره قلبشان زدود تا به پاک کردن مال خود از حرام و پرداخت خمس و زکات اقدام نمایند؛ چرا که در غیر این‌صورت، لایق ورود به عرصه حج نمی‌شوند و حجّی مقبول به حضرت محبوب ارائه نخواهند داد.

وظیفه روحانیون کاروانهاست که وظایف زائران را در این سفر معنوی گوشزد کنند و بر مسافران حرم امن الهی هم واجب است که آن حقایق را با تمام وجود فراگیرند تا هنگامی که از سفر برمی‌گردند، در گفتار و کردارشان تحوّلی عمیق ایجاد شده باشد، تا دیگران هم میل ورود به عرصه این سفر معنوی را پیدا کنند و پس از مدتی، جامعه‌ای ایمن از همه شرور ساخته شود و رعب و ترس و بی‌اعتمادی، تبدیل به امنیت و اعتماد و محبت

ص: ۲۳

گردد و دادگستری‌ها بیکار شوند، و زندان‌ها در گوشه گوشه ممالک اسلامی به گلستان و بوستانی برای زندگی پاکان تغییر شکل دهد.

اتمام عمل، همیشه با حصول نتیجه منظور است، اگر زائر در سفر حج خود به حقایق الهی و نظامات اسلامی، و حالات ملکوتی آراسته شد و درون و برونش و مال و اموالش از ناپاکی‌ها و ناخالصی‌ها پیراسته گشت و پس از بازگشت، چه با عمل و چه با گفتار، مبلّغ حقایق شد و برای خدا واقعیات معنوی را به دیگران انتقال داد، حج و عمره را به اتمام رسانده است. (۱)

۲. نیت

زائر باید به حقیقت نیت خود پیش از سفر، توجه داشته باشد؛ هر عبادتی که با نیت صادقانه و برای خدا انجام گیرد، عبادت واقعی محسوب می‌شود و شایسته قبولی درگاه حق بوده، مستوجب پاداشی عظیم است.

عبادت، اگر خالصانه و به قصد فرمان بردن از حق صورت گیرد، به تکلیف عمل شده، و اگر غیر از این باشد، مشقّت و زحمتی بدون پاداش از انسان صادر شده و قابل قبول حق نخواهد بود؛ و در نهایت در پرونده عمل به عنوان ادای تکلیف ثبت نمی‌شود. و به فرموده

۱- اتِمُّوا الْحَجَّ وَ الْعُمْرَةَ لِلَّهِ ...؛ بقره/ ۱۹۶.

ص: ۲۴

قرآن برباد می‌رود:

(وَ قَدِمْنا إِلی ما عَمِلُوا مِنْ عَمَلٍ فَجَعَلْناهُ هَباءً مَنْثُوراً)؛ (۱)

«و ما به بررسی و حسابرسی هر عملی که به عنوان عمل خیر انجام داده‌اند می‌پردازیم، پس همه آنها را [که به نیت غیرخالصانه و به ریا و خودنمایی انجام گرفته] غباری پراکنده می‌سازیم».

زائر باید با توجه به خدا و قیامت و الگو گرفتن از اولیای الهی به‌ویژه انبیا و اهل بیت: نیتش را خالص قرار دهد و آن را آلوده به هوای نفس ننماید و در این عبادت جز به «وجه الله» نظری نداشته باشد:

(إِنَّما نُطْعِمُکُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لا نُرِیدُ مِنْکُمْ جَزاءً وَ لا شُکُوراً). (۲)

باری، هدف زائر بیت الله الحرام نباید سیاحت، تجارت، استراحت، تماشای مملکت دیگر و ... باشد؛ چرا که به پیکره معنویت این سفر خدشه وارد می‌شود.

در هر صورت اگر عمل، حرکت، کوشش و انجام مسؤولیت بر نیت پاک و صادقانه استوار باشد، ماندنی است و شایسته قبولی حضرت حق! و پاداش بزرگ و اجر عظیم برآن مقرر خواهد شد.

۱- فرقان/ ۲۳.

۲- انسان/ ۹.

ص: ۲۵

امام سجاد(ع) در این‌باره می‌فرماید:

«لا عَمَلَ الّا بِنِيَّةٍ»؛ (۱)

عمل جز با نیت واقعی تحقق پیدا نمی‌کند، [و عمل بدون نیت صادقانه عمل نیست].

«نیت» به منزله ریشه عمل است و درخت عمل با نیت پاك و خالصانه و صادقانه میوه ابـدی می‌دهـد. از این‌رو، رسول‌خدا(ص) نیت مؤمن را از عملش بهتر می‌داند. حضرت صادق(ع) از رسول خدا(ص) روایت می‌کند:

«نِيَّةُ المُؤْمِنِ خَيْرٌ مِنْ عَمَلِهِ وَنِيَّةُ الكافِرِ شَرٌّ مِن عَمَلِهِ وَكُلُّ عامِلٍ يَعمَلُ عَلى نِيَّتِهِ»؛ (۲)

«نیت مؤمن از عملش بهتر است و نیت کافر از عملش بدتر، و هر عمل کننده‌ای براساس نیتش عمل می‌کند».

۳. توبه واقعی

زائر چون می‌خواهـد وارد حریم امن حق شود، باید پیش از سـفر، خود را برای حضور در محضـر خداوند آماده کند؛ آمادگی برای حضـور به این است که اگر بـاطنی آلوده به حسـد، حرص، طمع، ریـا، کـبر، عجب، نفـاق، کینه، بغض و خشم دارد، همه آنهـا را با توجه به حق و اوضاع عجیب قیامت از صفحه باطن پاك كند، و اگر

۱- الکتب الاربعه، بخش کافی، ج ۱، ص ۳۲۷.

۲- همان.

ص: ۲۶

به اعمالی زشت و ناروا چون: ظلم، ستمکاری، غیبت، تهمت، حرام‌خواری، فحش و ناسزا، دروغ، بریدن نان مردم، چشم و همچشمی و ... آلوده است، همه را ترک کند، و عزم جدّی و راستین داشته باشد که در آینده به این آلودگی‌ها بازنگردد؛ چرا که توبه واقعی، جز پاک‌سازی باطن، ترک اعمال ناروا، پشیمانی از گذشته و عذرخواهی از خدا نیست.

شستشویی کن و آنگه به خرابات خرام تا نگردد ز تو این دیر خراب آلوده

تائب حقیقی و بازگشت کننده به حق باید علاوه بر ادای حقوق شرعی و الهی، حقّ‌الناس را نیز ادا نماید.

ناراضیان از خود را، به خصوص اگر پدر و مادر، زن و فرزند و اقوامش باشند، از خود راضی کند که این هم، رشته‌ای از توبه و رجوع به حضرت حق است؛ زیرا حضرت حق به انسان فرمان داده که به پدر و مادر و زن و فرزند و خویشان و اقوام، احسان و نیکی کند و یقیناً بدرفتاری با آنان، سرپیچی از فرمان خدا و معصیت است و توبه از این معصیت، کرنش در برابر خداست.

درباره آثار «توبه حقیقی» از امام صادق(ع) چنین روایت شده است:

«إذا تَابَ العَبْدُ تَوبةً نَصُوحاً أَحَبَّهُ اللهُ فَسَتَرَ عَلَيْهِ فِي الدُّنْيا وَالآخِرَةِ فَقُلْتُ وَكَيْفَ يَسْتُرُ عَلَيْه؟ قالَ:

ص: ۲۷

یُنسی مَلَکَیه مَا کَتَبا عَلَیهِ مِنَ الذُّنُوبِ وَیُوحِی إلی جَوارِحِهِ اکْتُمِی عَلَیْهِ ذُنُوبَهُ وَیُوحی إلی بِقاعِ الأَرضِ اکتُمی مَا کان یَعْمَلُ عَلَیْکَ مِنَ الذُّنُوبِ فَیَلقی اللّه حینَ یَلْقاهُ وَلَیسَ شَیءٌ یَشهَدُ عَلَیْهِ بِشَیءٍ مِنَ الذُّنُوبِ»؛ (۱)

«هنگـامی که بنـده‌ای از گناهـانش توبه کنـد- [توبه‌ای که همه گذشـته‌اش را جبران نمایـد و آینـده‌ای پاک برای او تـدارک کنـد، توبه‌ای که پس از آن به گناه برنگردد و ریشه درخت ناپاک گناه را در وجودش بخشـکاند]- با چنین توبه‌ای محبوب خدا می‌شود، و پروردگار در دنیا و آخرت نسبت به گناهانش پرده پوشی می‌کند».

معاویه بن وهب که راوی روایت است، می‌گوید:

به حضـرت صادق گفتم: این پرده پوشی چگونه است؟ حضرت فرمود: همه گناهان بنده را که دو فرشته موکل بر او در حافظه خود ثبت کرده‌انـد، از یادشان می‌برد و از صـفحه ذهنشان محو می‌کنـد و به اعضا و جوارح توبه کننده، وحی می‌رسد که گناهانش را از او پنهـان کننـد، و به قطعه‌هـای زمینی که در آن گناه کرده، وحی می‌شود که آنچه گناه بر روی زمین مرتکب شـده بر او بپوشاننـد؛ پس خدا را در حالی ملاقات می‌کند که شاهدی بر گناهانش وجود ندارد».

۱- الکتب الاربعه، بخش کافی، ج ۲، ص ۴۹۵، حدیث ۲۹۵۱.

ص: ۲۸

امام باقر(ع) می‌فرماید:

«إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى أَشَدُّ فَرَحاً بِتَوْبَةِ عَبْدِهِ مِنْ رَجُلٍ أَضَلَّ رَاحِلَتَهُ وَ زَادَهُ فِی لَیْلَةٍ ظَلْمَاءَ فَوَجَدَهَا فَاللَّهُ أَشَدُّ فَرَحاً بِتَوْبَةِ عَبْدِهِ مِنْ ذَلِکَ الرَّجُلِ بِرَاحِلَتِهِ حِینَ وَجَدَهَا»؛ (۱)

«بی‌تردید خدا به توبه بنده‌اش خوشحال‌تر است از مردی که مرکب و زادش را در شب تاریک گم کرده و آن را یافته است؛ خدا از توبه بنده‌اش مسرورتر است از مردی که گم کرده‌اش را می‌یابد».

با چنین توبه‌ای که قرآن و روایات برآن تأکید دارند، ظاهر و باطن انسان غرق طهارت و پاکی می‌شود و سبکبار و سبکبال، زمینه حضور در محضر حق برایش فراهم می‌آید و زائری می‌شود که حجّ ابراهیمی از افق وجودش طلوع می‌کند.

۴. وصیت

نوشتن وصیتنامه، از مؤکدات اسلام است و از آنجا که زائر از وطنش تا کعبه، راه طولانی و دوری را طی می‌کند و به منطقه‌ای می‌رود که میلیون‌ها نفر در آن اجتماع می‌کنند و احتمال دارد حادثه غیرمترقبه‌ای روی

۱- الکتب الاربعه، بخش کافی، ج ۲، ص ۴۹۷.

ص: ۲۹

دهد، لازم است نسبت به اموال و امورش با مشورت دانایان و آگاهان به مسائل اسلامی، وصیت روشنی بنویسد و برای خود، وصیّ قابل و لایقی تعیین کند و از چند نفر افراد مورد وثوق بر وصیتنامه‌اش به عنوان شاهد و ناظر امضا بگیرد. و وصیت خود را به گونه‌ای تنظیم کند که برای وصی و ورثه‌اش سختی و مشکلی پیش نیاید و بتوانند با آرامش و اطمینان و خیال راحت به اجرای وصیت اقدام کرده، با رهایی میّت از قیود و تکالیفش، برزخ و قیامت آرامی برایش تدارک ببینند.

در وصیتنامه قید کند که ثلث مالش را که حقّ اوست، برای رضای خدا در اموری چون: تبلیغ دین، قرض‌الحسنه، حلّ مشکل خویشان، چاپ کتاب‌های مذهبی، تأسیس وتجهیز مدارس، درمانگاه‌ها، بیمارستان‌ها، وسایر امور خیر هزینه کنند، و چه بهتر و به رضای حق نزدیک‌تر که خود را پیش از سفر، وصیّ خود کند و ثلث مالش را در اموری که ذکر شد، هزینه نماید و سپس به سوی کعبه و مواقف کریمه و مشاهد مشرّفه حرکت نماید.

۵. سخاوت

چنان که از روایات و معارف اسلام استفاده می‌شود، زائر در این سفر روحانی و ملکوتی تا جایی که برایش میسّر است، باید پول لازم همراه خود بردارد تا سفرش را

ص: ۳۰

به رفاه، خوشی، سلامت و گشایش بگذراند، و اگر همسفران یا دیگر زائران به مشکل مالی دچار شدند، بی‌دریغ و کریمانه از مال و ثروتش به آنان بپردازد و مشکل آنان را حل نماید. هرکجا و در همه موارد اسراف نکوهش شده، مگر در این سفر که به هر صورت، هزینه خود و دیگران کند، اسراف نیست.

رسول گرامی فرموده است:

«میانه روی و اقتصاد در همه‌جا بهترین راه خرج و هزینه کردن مال است و خداوند، اسراف را دوست ندارد؛ مگر در سفر حج». (۱)

نمونه بهتر و عالی‌تر در این زمینه، کار بزرگ پیامبر اکرم(ص) است که صد شتر در منا قربانی کرد که به قیمت امروز، دارای ارزش بسیاری است؛ شصت شتر را خود نحر کرد، و چهل شتر را اختصاص به داماد و پسرعمویش امیرمؤمنان(ع) داد که او نحر کند و او هم از طرف خود و همسر گرامی‌اش فاطمه اطهر(س) قربانی کرد و گوشت این قربانی‌ها را به دست مبارکش به نیازمندان داد تا درسی برای همه زائران باشد.

رسول خدا(ص) در یک حج مستحبی، همسران خود را همراه برد و در آن سفر، دوازده هزار دینار خرج آن کاروان شد.

۱- آفاق کعبه، ص ۳۶.

ص: ۳۱

ارزش هر دینار سکه طلای ناب آن روز به قیمت امروز، پول هنگفتی می‌شود و پیامبر اسلام(ص)- که دقیق‌ترین انسان‌ها در هزینه کردن مال بود- از چنان هزینه‌ای در سفر حج دریغ نورزید. (۱) سفرهای پیشوایان پاک ما هم به حج، سفرهای پرهزینه‌ای بود، که البته قسمت عمده‌ای از هزینه سفر خرج همسفران، و پرداخت به زائرانی می‌شد که دچار مشکل مالی می‌شدند.

۶. رهایی از هر قید و بند

برخی از زائران در وطن برای خود سرگرمی‌ها و مشغولیت‌هایی دارند که در طول سفر، حتی در انجام مناسک حج، قلب و باطنشان متوجه آنهاست و حجّ خود را در بی‌خبری و غفلت انجام می‌دهند. و جمعی از زائران نیز در این سفر، دل‌مشغولی‌هایی برای خود می‌سازند که از لذت معنوی این سفر الهی و ملکوتی بی‌بهره می‌شوند. عده‌ای از آنان با آرامش و امنیت خاطر، سفر می‌کنند ولی با تماس‌های مکرری که از مدینه و مکه با اهل و عیال و دوستان و مراکز کسب و تجارتشان می‌گیرند، به‌طرف ناامنی و اضطراب درون می‌روند و از حجّ ابراهیمی باز می‌مانند.

۱- آفاق کعبه، ص ۳۷ و احتمالًا به خاطر مانع شدن مشرکان، به آن حج موفق نشد.

ص: ۳۲

چه خوب است که زائر از ابتدای سفر، زمینه فراغت بال و امنیت خاطر را برای خود فراهم سازد و در این مدت کوتاه خود از تعلقات مادی دست شسته، مناسک حج را فقط با یاد خدا و توجه به قیامت سپری کند، و از اعمال روح‌بخش حج، درس بگیرد؛ درس اخلاص، تسلیم، وفاداری، قطع علایق مانع از عبادت، صفا و یکرنگی، توجه به قیامت، جهاد با نفس، مؤدب شدن به آداب اسلامی ... و پس از بازگشت از سفر، سرمشق و الگوی حسنه‌ای برای خانواده و دیگران شود.

به راستی اگر در این سفر معنوی انسان با گذشته‌اش تفاوتی نکند، و در اعمال و اخلاقش تغییری حاصل نگردد، بهره‌ای از این سفر معنوی نبرده و حاجی به معنای واقعی نگشته!

مناسک، قوانین، عبادات و واقعیات این سفر، امتحانی از جانب خدا برای بندگان است، تا در فضای این امتحان و تحمل مشقت‌های این عرصه و انجام صحیح مناسک، از زشتی‌ها پاک شوند و به ارزش‌ها و فضایل آراسته گردند.

امیرمؤمنان(ع) در رابطه با شهر مکه- که در دل کوه‌های سخت و ریگزارها و خاک و رمل قرار گرفته و کعبه که با سنگ‌های خارا و معمولی ساخته شده، و مشعر و عرفات و منا که در پستی ها و بلندی‌ها و فاقد طراوت

ص: ۳۳

و خرّمی و خالی از باغ و بستان و گلزار قرار گرفته- می‌فرماید:

«وَ لَكِنَّ اللَّهَ يَخْتَبِرُ عِبَادَهُ بِأَنْوَاعِ الشَّدَائِدِ وَ يَتَعَبَّدُهُمْ بِأَلْوَانِ الْمَجَاهِدِ وَ يَبْتَلِيهِمْ بِضُرُوبِ الْمَكَارِهِ إِخْرَاجاً لِلتَّكَبُّرِ مِنْ قُلُوبِهِمْ وَ إِسْكَاناً لِلتَّذَلُّلِ فِي نُفُوسِهِمْ وَ لِيَجْعَلَ ذَلِكَ أَبْوَاباً فُتُحاً إِلَى فَضْلِهِ وَ أَسْبَاباً ذُلُلًا لِعَفْوِهِ»؛ (۱)

«ولی خداوند بندگانش را به انواع سختی‌ها امتحان می‌کند، و با کوشش‌ها و مجاهدت‌های گوناگون به بندگی و عبادت وامی‌دارد، و به اموری که ناخوشایند به نظر می‌رسد، می‌آزماید، تا کبر و تکبر را [که از اوصاف شیطان است و سبب رجم و لعن او شد] از دل‌هایشان بیرون نماید، و فروتنی و خاکساری را در جانشان بنشاند، تا با این‌گونه آزمایش‌ها، درهای فضل و رحمتش را به رویشان بگشاید و اسباب عفو و گذشتش را به آسانی به آنان عنایت فرماید».

۷. خوشرفتاری با همراهان

نرمی در کلام، استخدام لغات زیبا و با معنا، نگاه محبت‌آمیز، مهرورزی، زدودن غم از چهره همراه، لبخند بر لب داشتن، همکاری در کارها، دیگری را بر خود مقدم

۱- نهج البلاغه، خطبه ۲۳۴؛(معروف به خطبه قاصعه).

ص: ۳۴

داشتن، الفت و انس و جوشش با همسفران، از مصادیق خوش‌رفتاری است که به‌ویژه در سفر حج بسیار پسندیده و دارای پاداش است. چنین رفتارهایی، سبب جذب دیگران شده، یاران و دوستان را به انسان علاقه‌مند می‌سازد؛ دوستان و یارانی که ممکن است در طول سفر و هنگام بازگشت به وطن هریک کلیدی برای حلّ مشکل یا مشکلات انسان شوند.

قرآن درباره خوش‌رفتاری با دیگران، فرامینی را به پیامبر عزیز اسلام داده و آن حضرت آن دستورها را تا آخر عمر نسبت به دیگران به کار بستند و همان رفتار موجب رونق اسلام و اضافه شدن نفر و نیرو به مکتب حق و عامل عشق ورزی دیگران به پیامبر می‌شد.

(فَبِما رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَ لَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَ اسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَ شاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ)؛ (۱)

«پس به مهر و رحمتی از سوی خدا [که در افق وجودت طلوع داد] با مردم نرم‌خوی و خوشرفتار شدی و اگر درشت‌خوی و سخت‌دل بودی، یقیناً از اطراف پراکنده می‌شدند. پس براساس همین مهر و رحمتی که خدا در وجودت نهاده، از آنان نسبت

۱- آل عمران/ ۱۵۹.

ص: ۳۵

به کارها و برخوردهای ناخوشایندشان درگذر، و برای آنان طلب آمرزش نما، و در کارها با آنان به مشورت بنشین، و چون عزم کاری کردی، برخدا توکل کن؛ زیرا خدا توکل‌کنندگان را دوست دارد».

زائر با بهره‌گیری از این آیه شریفه، باید توجه داشته باشد که خوشرفتاری با همراهان و همسفران، نسیمی الهی و بهره‌ای ملکوتی است و بدرفتاری و ترشرویی و سخت‌گرفتن با همراهان، نشانه‌ای از سموم دوزخ و حرارت آتش جهنم است.

زائر باید توجه داشته باشد که هریک از مؤمنان بر یکدیگر حقوقی دارند و لازم است آن حقوق تاجایی که امکان داشته باشد، رعایت شود.

از امام صادق(ع) روایت شده است:

«ما عُبِدَ اللَّهُ بِشَیْ‌ءٍأَفْضَلَ‌مِنْ أَدَاءِحَقِّ الْمُؤْمِنِ»؛ (۱)

«خداوند به چیزی برتر از ادای حق مؤمن عبادت نشده است».

آن حضرت به شیعیان سفارش می‌کنند:

«اتَّقُوا اللَّهَ وَ کُونُوا إِخْوَةً بَرَرَةً مُتَحَابِّینَ فِی اللَّهِ مُتَوَاصِلِینَ مُتَرَاحِمِینَ تَزَاوَرُوا وَ تَلَاقَوْا وَ تَذَاکَرُوا أَمْرَنَا وَ أَحْیُوهُ»؛ (۲)

«برای خدا خود را از هر گناهی حفظ کنید؛ برادر

۱- الکتب الاربعه، بخش کافی، ج ۲، ص ۳۷۱.

۲- همان، ص ۳۷۴.

ص: ۳۶

نیکوکار یکدیگر باشید، برای خدا نسبت به همدیگر عشق بورزید، با یکدیگر ارتباط داشته باشید، به یکدیگر مهر و محبت نمایید، به ملاقات و دیدار یکدیگر بروید و درباره مکتب ما با یکدیگر سخن بگویید و آن را [در میان جامعه] زنده و پا برجا کنید».

انسان هنگامی که حقوق برادر دینی‌اش را ادا می‌کند، مسلماً او را مسرور و خوشحال می‌کند و طبق روایتی از رسول خدا(ص):

«هرکه مؤمنی را خوشحال کند، رسول خدا را خوشحال کرده و هرکه رسول خدا را خوشحال کند، خدا را خوشحال نموده است».

(۱) بنابراین یقیناً محبوب‌ترین کارها نزد خداوند، خوشحال کردن مؤمنان است.

۸. شیوه برخورد با زائران مختلف

زائر ایرانی که پیرو مکتب اهل‌بیت و معروف به «شیعه آل‌محمّد» است، به سرزمینی وارد می‌شود که بخش عمده‌ای از زائرانش پیرو مذهب شافعی، مالکی، حنبلی، حنفی، زیدی، اسماعیلی و ... هستند.

پس شیعه باید در این سفر، خود را نماینده رسول خدا(ص) و امامان معصوم: و سفیرقرآن و مکتب

۱- الکتب الاربعه، بخش کافی، ج ۲، ص ۳۸۱.

ص: ۳۷

اهل‌بیت: قلمداد کند.

باید در این سفر، با اخلاق، کردار، رفتار و عباداتش زینت اهل‌بیت و باعث خوشحالی قلب پیامبر(ص) و حضرت زهرا و ائمه: باشد.

زائر خانه حق باید نسبت به دیگر زائران- که با او هم مسلک نیستند- با مهر و محبت برخورد کند، در سلام دادن به آنان پیش‌قدم شود، اگر در صف جماعت مسجدالنبی(ص) و مسجدالحرام کنار آنان قرار گرفت، از روی مهر و محبت به آنان سلام کند و با آنان مصافحه نماید، و حتی نمازش را بدون قنوت و همراه آنان به جای آورد و از بحث کردن با آنان- در صورتی که تخصصی ندارد- بپرهیزد و سعی کند در این زمینه از عالمی زبان‌دان کمک بگیرد تا مکتب اهل‌بیت: با برهان و استدلال به آنان برسد و تبلیغات سوءدشمنان نسبت به شیعه و پیروان اهل‌بیت: خنثی گردد.

از تندی و تلخی با دیگر زائران که از کشورهای مختلف آمده‌اند و پیرو یکی از مکاتب اهل‌سنت یا زیدی، اسماعیلی و ... هستند باید بپرهیزد و به عنوان برادران دینی به آنان بنگرد و به گونه‌ای رفتار کند که آنان عاشق مکتب اهل‌بیت شوند، و بدانند و آگاه شوند که دشمنان آنچه برضدّ شیعه و مکتب اهل‌بیت: می‌نویسند یا می‌گویند، دروغ است و غیرواقعی!

ص: ۳۸

۹. جدّی بودن برای رفتن به سفر

در میان اقوام و دوستان زائر کسانی هستند که از حقایق دینی بی‌خبرند، و از عبادات و بندگی و پاداش‌های دنیوی و اخروی آن غافلند، و پیش خود مقایسه‌های بی‌جا و غیرمنطقی می‌کنند و زائر را وسوسه می‌کنند و خنّاس‌وار، به گمراه کردن او از حق و حقیقت می‌پردازند.

مثلًا می‌گویند: چرا بخشی از مال و ثروتت را به کشوری دیگر می‌بری، و جیب غیر ایرانی‌ها را پر می‌کنی؟ اگر دنبال ثواب هستی، پولی که می‌خواهی بابت سفر حج هزینه کنی، به اقوام فقیر و افراد مستحق و نیازمند بده، این عمل ثوابش از حج هم بیشتر است!

به راستی سدّ راه زائر شدن، و او را به ترک واجب دعوت کردن، و وی را از خدا و بندگی حق بیرون بردن، چه گناه بزرگی است!

البته زائر اگر بیش از خرج سفر تمکّن مالی داشته باشد، طبق آیات قرآن و روایات، لازم است ابتدا به وسیله ثروت و مالش به اقوام، سپس به دیگران کمک کند و با این عمل بر ثواب و پاداشش بیفزاید، و اگر فقط هزینه سفر حج را دارد، باید به حج برود و واجب الهی را ادا کند، و نسبت به نیازمندان تکلیفی ندارد؛ بلکه بر اهل ثروت و مکنت واجب است که به یاری نیازمندان بشتابند.

اسلام حتی اجازه ترک حجّ مستحبی را نیز نمی‌دهد

ص: ۳۹

و دستور می‌دهد که مسلمانان در حجّ مستحبی شرکت کنند و اگر توان مالی دارند، به نیازمندان هم کمک نمایند.

شخصی به امام صادق گفت: فدایت شوم! من همه ساله حجّ مستحبی انجام می‌دهم. امسال اهالی محل می گویند: نیازمند و فقیر زیاد داریم، امسال هزینه حجّ خود را صرف فقرا و مستمندان کن. شما در این زمینه چه می‌فرمایید؟

حضرت فرمود: مقداری از پول حج را به آنان بده و ساکتشان کن.

آن شخص گفت: نمی‌توانم.

فرمود: از مخارج سالیانه خویش مقداری به آنان بپرداز و به حج برو.

آن شخص گفت: برایم مقدور نیست.

سپس حضرت به بازگو کردن ثواب حج برای آن شخص پرداخت.

شاید منظور امام از بیان ثواب حج، این بوده باشد که «گوش به حرف مردم نباید بدهی، به حج برو». (۱) اسحاق بن عمار می گوید: مانع حج رفتن کسی شدم و پس از آن به حضور امام صادق(ع) شرفیاب شدم و گفتم:

۱- آفاق کعبه، ص ۲۹؛ به نقل از من لایحضره الفقیه.

ص: ۴۰

مردی درباره حج رفتن خود با من مشورت کرد؛ درحالی که ضعیف و ناتوان به نظر می‌رسید، من در جواب مشورتش گفتم به حج نرود!

امام(ع) فرمود: سزاواری که به خاطر پاسخ نا به‌جایت و مانع شدن از حج مردم، یکسال بیمار شوی.

اسحاق می گوید: من یکسال در بستر بیماری افتادم. (۱) و نیز آن حضرت در جایی دیگر می‌فرماید:

هریک از شما که مانع از رفتن برادر دینی خود به حج شود، جریمه آن فتنه‌ای است که در دنیا به او می‌رسد، همراه آنچه در آخرت او ذخیره می گردد. (۲)

۱۰. یاری به افراد کم‌توان

اصولًا یاری دادن و کمک به مردم از نظر آیات و روایات، کاری پسندیده و موجب پاداش و ثواب الهی است.

مدد رسانی اگر به مردم ضعیف و ناتوان باشد، قطعاً ثوابش بیشتر و اجر و مزدش فراوان‌تر است. امروزه زائران به صورت گروهی و کاروانی به سفر معنوی حج می‌روند و خواه ناخواه در میان زائران افراد مسن، پیرمرد، پیرزن، ناتوان و ضعیف وجود دارند، که در کشیدن بار سفر، و

۱- الکتب الاربعه، بخش من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۰۴.

۲- همان، حدیث ۲۲۰۲.

ص: ۴۱

ساک و چمدان خود ناتوان و در سوار و پیاده‌شدن کُند و ضعیف هستند. از این‌رو، زائران جوان‌تر و نیرومندتر باید برای جلب رضای حق، و افزودن ثواب حج و زیارتشان به آنان یاری دهند، و با حوصله و بردباری به کمک‌آنان بشتابند. و در سوار و پیاده شدن از وسایل نقلیه- اعم از هواپیما، اتوبوس و ...- آنان را برخود مقدم داشته، یاری‌شان دهند و هیچ منّتی هم بر آنان نداشته باشند.

بی‌تفاوتی نسبت به ضعیفان و ناتوانان، به دور از اخلاق انسانی و کرامت و بزرگواری است.

امام صادق(ع) می‌فرماید:

جدّم حضرت زین‌العابدین(ع) مسافرت نمی‌کرد مگر با کاروانی که او را نمی‌شناختند و با آنان شرط می‌کرد در کارهایی که پیش می‌آید، برای خدمت به آنان راه را به روی حضرت بازگذارند.

زمانی با کاروانی به سفر رفت، درحالی که به کاروانیان خدمت می‌کرد و به آنان مدد می‌رسانید، مردی آن منبع کرامت را شناخت و به کاروانیان گفت: می‌دانید این بزرگوار کیست؟ گفتند: نه. گفت: علی‌بن‌الحسین، زین‌العابدین است!!

آنان دست و پای حضرت را بوسیدند، گفتند: ای پسر پیامبر! با این کارت خیال داشتی ما را دچار عذاب دوزخ کنی؟ چنانچه خدای ناخواسته جسارتی یا

ص: ۴۲

زبان‌درازی یا ستمی بر شما روامی‌داشتیم، عاقبتش چه می‌شد؟! چرا همچون خدمتکاری به ما خدمت می‌کردید؟

امام(ع) فرمود: من مدتی پیش با گروهی که مرا می‌شناختند، مسافرت کردم، آنان نسبت به من خدماتی انجام دادند، خدماتشان برای این بود که من وابسته به رسول خدایم؛ در حالی که سزاوار آن خدمات نبودم!! ترسیدم شما هم مانند آنان با من رفتار کنید. به همین سبب در حالی که از نزدیک مرا نمی‌شناختید با شما همسفر شدم تا به شما خدمت کنم و مدد رسانم. (۱)

دانی که را سزد صفت پاکی؟ آن کو وجود پاک نیالاید

تا خلق از او رسند به آسایش هرگز به عمر خویش نیاساید

تا دیگران گرسنه و مسکین‌اند برمال و جاه خویش نیفزاید

تا بر برهنه جامه نپوشاند از بهر خویش جامه نیفزاید

مردم اگر بدین صفات یابی گر نام او فرشته نَهی شاید (۲)

۱۱. گرامی داشتن دیگران و اکرام به آنان

یکی از وظایف و مسؤولیت‌های سنگین و بسیار مهمّ مؤمن، این است که دیگر مؤمنان و مسلمانان را ارج نهد و به آنان احترام نماید، وجودشان را گرامی بدارد و از اهانت به ایشان و سبک شمردنشان جداً بپرهیزد.

۱- بحار الانوار، ج ۱۱، ص ۲۱.

۲- شعر از پروین اعتصامی.

ص: ۴۳

زائر حرم الهی باید به طور ویژه به رعایت این مسأله مهم در حقّ دیگران اهتمام ورزد و همه را، چه کوچک‌تر از خود و چه بزرگ‌تر و مسن‌تر از خویش، گرامی بدارد و در هر موقعیتی از اکرام به آنان دریغ نورزد.

زائر باید به این معنا توجه کند که دیگر زائران علاوه براین که مؤمن و مسلمان‌اند، مهمان خدا هستند، و در ضیافت الله شرکت دارند و باید از اکرام و احترام بیشتری برخوردار باشند.

زائر باید افراد کم‌سن‌تر از خود را کم گناه‌تر بداند و مسن‌تر از خود را در عبادت و بندگی مقدم بر خویش قلمداد کند؛ بدین‌ترتیب احترام و اکرام به کوچک‌تر از خود و مسن‌تر از خویش را واجب اخلاقی بداند و در بزرگداشت همه آنان ذره‌ای کوتاهی ننماید.

اکرام به مؤمن و احترام به دیگران، گاهی با یک سخن و کلام نیکو تحقق می‌یابد؛ چنان که از حضرت صادق(ع) روایت شده:

«مَنْ قَالَ لِأَخِيهِ الْمُؤْمِنِ مَرْحَباً كَتَبَ اللَّهُ تَعَالَى لَهُ مَرْحَباً إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ»؛ (۱)

«کسی که به برادر مؤمنش بگوید: خوش آمدی، [خداوند به تو رفاه و گشایش عنایت کند]، خداوند متعال تا قیامت برای او خوش آمد و گشایش در

۱- الکتب الأربعه، بخش کافی، ج ۲، ص ۳۹۰، حدیث ۲۱۹۳.

ص: ۴۴

کارهایش ثبت می کند».

و باز آن حضرت می‌فرماید:

«مَنْ أَتَاهُ أَخُوهُ الْمُسْلِمُ فَأَكْرَمَهُ فَإِنَّمَا أَكْرَمَ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ»؛ (۱)

«کسی که برادر مسلمانش نزدش آید و او به برادر مسلمانش احترام بگذارد، بی‌تردید به خدای عزوجل احترام گذاشته است».

امام صادق(ع) درباره نیکوکاری به اسحاق بن عمار فرمود:

«ای اسحاق! تا جایی که قدرت داری به دوستان من نیکی کرده، با آنان به اکرام و احترام برخورد کن؛ مؤمن اگر به مؤمن نیکی کند و او را در امورش کمک نماید، با این عملش به صورت ابلیس لطمه می‌زند و قلب آن دشمن مکار را از اندوه دائم پرمی‌کند». (۲)

۱۲. نصیحت و خیرخواهی نسبت به همسفران

نصیحت در لغت به معنای خیرخواهی نسبت به دیگران و موعظه حسنه برای هدایت آنان است.

اهل تحقیق و لغت شناسان در معنای نصیحت می‌فرمایند:

۱- الکتب الأربعه، بخش کافی، ج ۲، ص ۳۹۰، حدیث ۲۱۹۳.

۲- همان، حدیث ۲۲۰۰.

ص: ۴۵

مراد از نصیحت مؤمن به مؤمن، ارشاد و هدایت او به مصالح دین و دنیای اوست؛ و نصیحت، تعلیم معالم دین به اوست؛ اگر نسبت به معالم جاهل باشد و بیدار کردن اوست، اگر در خواب غفلت به سرمی‌برد؛ نصیحت، دفاع از مسلمان و آبروی اوست؛ نصیحت، گرامیداشت مؤمن در جوانی و پیری اوست؛ نصیحت، ترک حسد و دغلی و فتنه نسبت به مؤمن، دفع ضرر از او و جلب منفعت به سوی اوست.

اگر طرف مقابل نصیحت‌پذیر نباشد، باید با حوصله، بردباری و مدارا با او رفتار کند تا نصیحت‌پذیر شود، و اگر به امر دین و مسائل الهی تن‌درندهد، به صورت مشروع او را امر به معروف و نهی از منکر کند تا به دایره دین بازگردد و خیر دنیا و آخرتش تأمین شده، همای سعادت و خوشبختی برسرش بنشیند و به صف مؤمنان بپیوندد.

مسأله نصیحت و خیرخواهی در اسلام از جایگاه بسیار مهمی برخوردار است، تا جایی که در روایات اهل‌بیت: فصل خاصی به آن اختصاص یافته است.

از امام‌باقر(ع) روایت‌شده که پیامبر اسلام(ص) فرموده:

«لِيَنْصَحِ الرَّجُلُ مِنْكُمْ أَخَاهُ كَنَصِيحَتِهِ لِنَفْسِهِ»؛ (۱)

«خیرخواهی و نصیحت شما نسبت به برادر

۱- الکتب الاربعه، بخش اصول کافی، ج ۲، ص ۳۹۱.

ص: ۴۶

مؤمن باید به گونه‌ای باشد که گویا برای خودتان در مقام خیرخواهی هستید».

امام صادق(ع) در ضمن روایتی در باب خیرخواهی می‌فرماید:

«یَجِبُ لِلْمُؤْمِنِ عَلَی الْمُؤْمِنِ أَنْ یُنَاصِحَهُ»؛ (۱)

«بر مؤمن واجب است که نسبت به مؤمن خیرخواه باشد».

«یَجِبُ لِلْمُؤْمِنِ عَلَی الْمُؤْمِنِ النَّصِیحَهُ لَهُ فِی الْمَشْهَدِ وَ الْمَغِیبِ»؛ (۲)

«بر مؤمن واجب است که خیرخواه مؤمن در حضور و در غیابش باشد».

۱۳. پرهیز از عبوسی و ترشرویی

زائر باید به این معنا توجه داشته باشد که همسفران و مردمی که در طول زیارت و مناسک حج با آنان برخورد می‌کند، همه و همه وطن را به قصد عبادت ترک کرده و در دایره دوری و فراق از اهل و عیال و آشنایان و دوستان قرار گرفته و گرد و غبار غربت و دل‌تنگی به چهره دارند؛ اگر همسفر و هم اتاقی‌اش خوش‌اخلاق نباشد، بیش از اندازه برغم غربت و درد هجران و فراقش می‌افزاید؛ این دور از انصاف است که انسان سبب اندوه بیشتر یا غصه

۱- الکتب الاربعه، بخش اصول کافی، ج ۲، ص ۳۹۱.

۲- همان.

ص: ۴۷

فزون‌تر، یا احساس غربت شدیدتر گردد.

گرچه خود زائر در غربت و در فضای فراق است، ولی باید به خاطر خدا و برای زدودن اندوه همسفران، با رویی گشاده و به کاربردن سخنان محبت‌آمیز با آنان برخورد کند تا علاوه بر زدودن رنج سفر رضایت حضرت حق را نیز جلب نماید و یقیناً برخورد با چهره باز و خندان سبب زدوده شدن غم و غصه دیگران می‌شود. حُسن خلق، مرام انبیا و اولیا و طریقه امامان و عاشقان خداست.

در این زمینه، روایات بسیار مهمّی از پیامبر بزرگوار اسلام(ص) نقل شده است که در زیر، چند نمونه از نظرتان می‌گذرد:

«حُسْنُ الْبِشْرِ یَذْهَبُ بِالسَّخِیمَهْ»؛ (۱)

«گشاده‌رویی و خوش‌خلقی کینه را از دل می‌زداید و حقد و دشمنی را از آیینه قلب پاک می‌کند».

«الاقتصادُ نِصفُ العیش، وَحُسنُ الخُلقِ نِصفُ الدینِ»؛ (۲)

«میانه روی، نصف معاش و زندگی و خوش‌اخلاقی، نصف دینداری است».

«إنَّ حُسنُ الخُلُقِ لیذیبُ الخطیئهْ کَما تَذیبُ الشَّمسُ الْجَلِید»؛ (۳)

۱- تحف العقول، ص ۴۵.

۲- تاریخ بغداد، ج ۱۲، ص ۱۱.

۳- کنز العمال، ج ۳، ص ۳، حدیث ۵۱۳۴.

ص: ۴۸

«به راستی که خوش اخلاقی گناه را آب می کند، چنانچه خورشید یخ را ذوب می کند».

«ثَلَاثٌ یُصْفِینَ وُدَّ الْمَرْءِ لِأَخِیهِ الْمُسْلِمِ یَلْقَاهُ بِالْبُشْرِ إِذَا لَقِیَهُ وَ یُوَسِّعُ لَهُ فِی الْمَجْلِسِ إِذَا جَلَسَ إِلَیْهِ وَ یَدْعُوهُ بِأَحَبِّ الْأَسْمَاءِ إِلَیْه»؛ (۱)

«سه چیز نشان‌دهنده محبت و دوستی انسان به برادر مسلمانش است، یکی اینکه هنگام دیدار او خوشرو و بشّاش باشد، و دیگر اینکه چون نزد او بنشیند، برایش جا بازکند تا بتواند راحت بنشیند، و او را با نامی که نزدش محبوب‌تر از دیگر نام‌هاست، صدا کند.

امام باقر(ع) می‌فرماید:

مردی خدمت رسول خدا(ص) آمد و عرض کرد: ای پیامبر خدا! مرا به سفارشی و وصیتی میهمان کن. آن حضرت در ضمن سفارش‌های خود فرمود:

«الْقَ أَخَاکَ بِوَجْهٍ مُنْبَسِطٍ»؛ (۲)

«با برادر دینی خود، با چهره گشاده دیدار کن».

۱۴. انتقادپذیری

زائر باید بداند که او و دیگر مردم و همسفران و کاروانیان، همه ممکن است اشتباه کنند و مقام مصونیت و

۱- جامع احادیث الشیعه، ج ۲۰، ص ۴۰.

۲- همان، ص ۴۲، حدیث ۲۷۲۸۴.

ص: ۴۹

عصمت از خطا، ویژه چهارده معصوم: است.

بنابراین اگر در طول سفر، یا در انجام مناسک دچار خطا و اشتباه در رفتار یا انجام مراسم عبادی حج شد، به حکم دین، پذیرای اعتراض، نقد و انتقاد باشد؛ چرا که «انتقاد» در صورتی که مورد قبول واقع شود، سبب هدایت و رشد شده، رهایی از خطا و پاک شدن از آلودگی و رفع اشتباه را به دنبال دارد.

آنان که از انتقاد روی بر می‌گردانند، باید بدانند که دچار بیماری کبر و خودپسندی هستند و این صفات اگر در کسی باشد، او را از گردونه محبت حق خارج خواهد ساخت.

(إِنَّهُ لا يُحِبُّ الْمُسْتَكْبِرِينَ)؛ (۱)

«خداوند، متکبران را دوست ندارد».

از رسول خدا(ص) روایت شده:

«اجتَنِبُوا التَّكَبُّرَ فإنَّ العَبْدَ لايزال يَتَكَبَّر حَتّى يقولَ اللهُ تعالى اكتُبُوا عَبدىهذا فِى الجَبّارينَ»؛ (۲)

«از تکبر و خودخواهی دوری کنید، زیرا بنده پیوسته تکبر می‌ورزد تا جایی که خدای تعالی به فرشتگان می گوید: نام این بنده ام را در زمره گردن کشان بنویسید».

۱- نحل / ۲۳.

۲- کنز العمال، ج ۳، ص ۵۲۵.

ص: ۵۰

بنابراین انسان نباید از «پذیرش انتقاد» روی برتابد. باید با تواضع و خاکساری، اشتباه خویش را قبول کند و به کار بندد.

۱۵. کوشش برای یافتن دوستان جدید

به راستی سفر پربرکت حج، فرصت بسیار مغتنمی است که انسان دوستان جدیدی به دست آورد؛ دوستانی که از اخلاق و دین و کرامت و دانش و قدرت آنان برای رشد و کمال و خیر دنیا و آخرت خود استفاده کند؛ دوستانی که در حوادث و پیش‌آمدها او را یاری دهند و هریک الگو و سرمشقی نیکو برای زندگی او شوند.

دوست‌یابی، آن هم چنان دوستان مفیدی، در تعالیم آسمانی اسلام سفارش شده است و آیات و روایات چندی در این زمینه به تشویق پرداخته‌اند و یکی از عذاب‌های سخت قیامت را برای اهل معصیت، نداشتن دوست و نبود رفیق و همدم برشمرده‌اند:

(وَما أَضَلَّنا إِلَّا الْمُجْرِمُونَ* فَما لَنا مِنْ شافِعِينَ* وَلا صَدِيقٍ حَمِيمٍ)؛ (۱)

«در دنیا که بودیم جز مجرمان حرفه‌ای، ما را به ضلالت و گمراهی [و دور شدن از خدا و صراط مستقیم] نکشاندند، [در این روز هولناک] برای ما

۱- شعراء/ ۹۹- ۱۰۱.

ص: ۵۱

شفاعت کننده و دوستی وجود ندارد که از ما حمایت کند و ما را از عذاب دوزخ نجات دهد».

از مفهوم آیه شریفه استفاده می‌شود که دوست مناسب، رفیق موافق، مصاحب با کرامت و همنشین دلسوز، عامل نجات و رهایی انسان از خزی دنیا و عذاب آخرت است.

زائر باید در میان همسفرانش با صبر و حوصله به یافتن دوستان مفید و رفیقان نیک سیرت و مصاحبان با کرامت اقدام نماید؛ چرا که امیرمؤمنان(ع) درباره دوست خوب و دشمن، نظری جالب دارد؛ آن حضرت می‌فرماید:

ولیس کثیراً ألف خلّ وصاحب وإنّ عدواً واحداً لکثیر (۱)

«هزار یار موافق و دوست مناسب زیاد نیست؛ ولی یک دشمن برای انسان بسیار است».

امام رضا(ع) می‌فرماید:

کسی که برادری در راه خدا و به خاطر خدا به دست آورد، خانه‌ای در بهشت به دست آورده است. (۲)

۱۶. انس با دیگران

برخی از مردم انزوا و جدا زیستن از دیگران را

۱- جامع احادیث الشیعه، ج ۲۰، ص ۱۷۸.

۲- همان، ص ۱۷۶ و ۱۷۷.

ص: ۵۲

دوست دارند، در مساجد، در مجالس، در میهمانی‌ها و در میان جمعیت شرکت نمی‌کنند؛ مکتب آنان، عزلت و گوشه‌گیری و تنهایی است؛ از این رو از جریانات و آنچه بر دیگران می‌گذرد، بی‌خبر و غافل هستند، آنان با تنها زیستن، از بسیاری کارهای خیر، برنامه‌های مثبت و پاداش‌های الهی محروم می‌شوند، که کار این افراد برخلاف خواسته دین و اولیای الهی است. انسان باید به دنبال دوست‌یابی و یاری رساندن به آنان کوشا، و با شرکت در کارهای خیرشان انس و الفت خود را ثابت نماید. تنها زیستن، کار افراد بی‌مهر و عاطفه و خالی از محبت و مهربانی است.

سفر حج، سفر بسیار مهمی است و زائر نباید در این سفر از همسفران کناره‌گیری کند و تنها بنشیند و تنها به زیارت و انجام مناسک مبادرت ورزد.

زائر با انس و الفت گرفتن با همسفران به ارزش‌های دیگران آگاه می‌شود، و اگر خود، فاقد آن ارزش‌هاست، آنها را در فرصت عظیم سفر حج در خود تجلّی‌می‌دهد؛ زائر با الفت و مؤانست با دیگران به عیوب خود واقف می‌شود و درصدد برطرف کردن آن برمی‌آید.

درباره انس گرفتن و الفت با دیگران، روایات بسیار مهمی از اهل‌بیت عصمت و طهارت: نقل شده است؛ از جمله رسول خدا(ص) فرموده:

ص: ۵۳

«المؤمنُ آلِفٌ مألوفٌ»؛ (۱)

«مؤمن انس می گیرد، و دیگران [به آسانی] با او انس برقرار می کنند».

بـا دقت در روایت فـوق درمی‌یـابیم که آن حضـرت، انس گرفتن و الفت برقرار کردن را، از ویژگی‌هـای مـؤمن می‌دانـد. در جـایی دیگر پیامبر(ص) فرموده:

فردای قیامت نزدیک‌ترین شما به من، کسی است که خوش‌خوتر و به مردم نزدیک‌تر باشد. (۲) امیرمؤمنان علی(ع) نیز می‌فرماید:

«طُوبَی لِمَنْ يَأْلَفُ النَّاسَ وَ يَأْ لَفُونَهُ عَلَى طَاعَةِ اللهِ»؛ (۳)

«خوش به حال آن که در راه طاعت و عبادت خدا، با مردم انس گیرد و مردم نیز با او الفت برقرار کنند».

بـا توجه به کلام امیرمؤمنان(ع) این انس و الفت بایـد انس و الفتی مثبت باشـد؛ انس و الفتی که برمحور طاعت حق و عبادت باشـد. بنابراین الفت با کسانی که انسان را به سوی معصیت سوق دهنـد و از او مجرم و خطاکار بسازند، ممنوع و کاری نامشـروع و سـبب خرابی دنیا و آخرت انسان می‌شود.

۱- مستدرک الوسائل، ج ۸، ص ۴۵۰.

۲- میزان الحکمه، ج ۱، ص ۱۷۰.

۳- همان.

ص: ۵۴

۱۷. استفاده از تجارب دیگران

زائر خانه خدا باید بداند که اهل کاروان را افراد و اشخاصی با پیشه‌های گوناگون تشکیل می‌دهند و هرکدام نسبت به عمر و شغلشان دارای تجارب گوناگون هستند و در آنان، مجموعه‌ای از دانش‌ها و هنرها جمع است. این سفر، فرصت بسیار مغتنمی است که از تجارب همسفران می‌تواند برای رشد روحی، تعالی روانی و تکمیل ادب خود استفاده کند.

در شعری که منسوب به حضرت علی(ع) است، برای «سفر» پنج فایده برشمرده شده است:

«از وطن خود برای به دست آوردن برتری‌ها و ارزش‌ها، دوری گزینید و مسافرت کنید؛ چرا که در سفر، پنج فایده نصیب شما می‌شود:

برطرف شدن غم و غصه، کسب معیشت، اندوختن دانش، آراسته شدن به آداب مثبت، و به دست آوردن همنشین بزرگوار». (۱)

۱۸. بهره‌گیری از یافته‌های اهل خرد

زائر در این سفر معنوی، توفیق دیدار عاقلان و خردمندانی را می‌یابد که از عقل پخته و خرد تجربی

۱- تَغَرَّبْ عن الأوطان فی طلب الْعُلی وسافر ففی الأسفار خمسُ فَوائدَ تَفرُّج هَمّ واکتسابِ معیشةٍ وعلمٌ و آدابٌ وصحبةُ ماجد

ص: ۵۵

برخوردارند؛ چه در کاروان و چه در مجالس و محافل علمی که در مدینه و مکه تشکیل می‌شود.

گاهی در میان عاقلان و خردمندان، کسانی یافت می‌شوند که عمر خود را با تحصیل، مطالعه و سفرهای گوناگون علمی سپری کرده و به یافته‌های جدید و پرقیمتی دست یافته‌اند و چه بسا زائر با بهره جستن از آن یافته‌ها، پس از بازگشت به وطن، منشأ تحولی عظیم و فوق‌العاده در کشور و ملّت گردد. پس، از دست دادن فرصت‌ها بسیار ناپسند است و انسان عاقل نباید با دست خالی به وطن بازگردد!

زائر اگر عقل خود را با عقول پخته و خردهای تجربه دیده گره بزند، عقلش رشد پیدا می‌کند و از اندوخته‌های پرقیمت دیگران بهره‌مند می‌شود، و به فرموده امیرمؤمنان(ع) عقل تجربی پیدا می‌کند:

«الْعَقْلُ عَقْلَانِ عَقْلُ الطَّبْعِ وَ عَقْلُ التَّجْرِبَهِٔ وَكِلَاهُمَا يُؤَدِّى إِلَى الْمَنْفَعَهِٔ»؛ (۱)

«عقل دو گونه است، عقل ذاتی و طبیعی و عقل تجربی و هر دوی آنها سودمندند».

و در روایت دیگری می‌فرماید:

«الْعَاقِلُ مَنْ وَعَظَتْهُ التَّجَارِبِ»؛ (۲)

۱- میزان الحکمه، ج ۸، ص ۳۸۹۰.

۲- همان.

ص: ۵۶

«عاقل و خردمند، کسی است که تجربه‌ها، او را پند آموزد».

۱۹. دوری از فرومایگان

در بین خانواده و اقوام و خویشان و نیز در جامعه، گاهی افرادی هستند که متأسفانه فرومایه و پست‌اند و برای نجات خود از این حالت شیطانی، اقدامی نمی‌کنند؛ نه از تجربه‌های با ارزش دیگران استفاده می‌کنند و نه در مجالس وعظ و نصیحت حاضر می‌شوند و نه با خردمندان و عالمان همنشین می‌گردند.

گاهی چنین افرادی در سفر حج همسفر انسان می‌شوند. زائر باید از رفت و آمد و همنشینی با آنان پرهیز کند تا از زیان و شرّ آنان، در امان بماند. اگر با یکی از آنان هم اتاق شود و جابه جایی برای کاروان امکان‌پذیر نباشد، با حوصله و متانت، حلم و بردباری صبر کند تا این سفر به پایان برسد. از حضرت رضا(ع) درباره نشانه فرومایگی پرسیدند، حضرت در پاسخ فرمود:

«مَنْ كَانَ لَهُ شَيءٌ يُلْهِيهِ عَنِ اللَّهِ»؛ (۱)

«کسی که چیزی داشته باشد و آن چیز او را از یاد خدا بازدارد».

غفلت از یاد حق و دوری از بندگی و اطاعت خدا،

۱- تحف العقول، ص ۴۴۲.

ص: ۵۷

از نشانه‌های افراد فرومایه است؛ اهل‌بیت: مردم را از دوستی، معاشرت و نشست و برخاست با فرومایگان نهی کرده‌اند.

امیرمؤمنان(ع) می‌فرماید:

«احْذَرُوا السَّفِلَةَ فَإِنَّ السَّفِلَةَ مَنْ لَا يَخَافُ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ وَ فِيهِمْ قَتَلَةُ الْأَنْبِيَاءِ وَ فِيهِمْ أَعْدَاؤُنَا»؛ (۱)

«از مردم فرومایه بپرهیزید و از معاشرت با آنان دوری کنید؛ زیرا فرومایه از خدا بیم ندارد. قاتلان پیامبران و دشمنان ما از این گروه‌اند».

شیخ صدوق، این شخصیت بزرگ و روایت‌شناس، در کتاب پرقیمت من لایحضره الفقیه می‌نویسد:

درباره معنای فرومایه، اخبار گوناگونی آمده است:

در بعضی از روایات، فرومایه به کسی اطلاق شده که طنبور (۲) می‌نوازد؛ در برخی دیگر، آمده که فرومایه کسی است که اگر به او خوبی کنی، خوشحال نمی‌شود و اگر بدی کنی، ناراحت نمی‌گردد، و نیز به کسی اطلاق شده که به ناحق و بدون شایستگی، ادعای امامت و پیشوایی کند. و در روایتی از امام صادق(ع) به کسی گفته شده که شراب می‌نوشد ... همه اینها، اوصاف شخص فرومایه است، و هرکس یکی یا همه آنها را داشته باشد، باید از رفاقت و همنشینی با او دوری گزید.

۱- بحارالانوار، ج ۱۰، ص ۱۱۴.

۲- طنبور؛ کمانچه، از سازهای زهی است.

ص: ۵۸

۲۰. مشورت با دیگران

خودکامگی در تصمیم، استبداد رأی و نظر، و خود را در همه امور دانا و متخصص دانستن، کاری است که انسان را دچار زیان‌های سنگین و عواقب سوء و گاهی خسارت‌های جبران‌ناپذیر می‌کند.

مشورت با دیگران به ویژه با اهل تجربه و خردمندان و نظرخواهی از اندیشمندان، کاری پسندیده و عملی مورد رضایت حق است.

مشورت با دیگران از چنان ارزش و اعتباری برخوردار است که خدای مهربان در قرآن به پیامبرش فرمان می‌دهد تا در کارها با مردم روشن ضمیر و اهل تجربه مشورت کند؛ با این که می‌داند پیامبر(ص) عاقل‌ترین انسان‌هاست. (۱) ارزش مشورت به اندازه‌ای است که از صد و چهارده سوره قرآن، یکی از آنها شورا(مشورت) نام‌گذاری شده و در آن سوره، ویژگی‌های اهل ایمان را به این صورت بازگو می‌کند:

توکل و اعتماد برخدا، اجتناب و دوری از گناهان کبیره و زشت‌کاری، عفو و گذشت به هنگام خشم، اطاعت از خدا و اجابت دعوت حق، به پا داشتن نماز،

۱- آل عمران/ ۱۵۹.

ص: ۵۹

مشورت در کارها، انفاق در راه خدا از آنچه روزی آنان شده، یاری خواستن از مؤمنان و هم‌کیشان، هنگامی که در معرض ظلم و ستم واقع می‌شوند، اجتناب از یاری خواستن از بیگانگان و ...

امیرمؤمنان(ع) می‌فرماید:

هنگامی که پیامبر(ص) مرا برای تبلیغ اسلام به یمن فرستاد، به من فرمود:

«یَا عَلِیُّ مَا حَارَ مَنِ اسْتَخَارَ وَ لَا نَدِمَ مَنِ اسْتَشَار»؛ (۱)

«ای علی! کسی که از خدا درخواست خیر و خوبی کرد، سرگردان نشد و کسی که با دیگران در کارهایش به مشورت نشست، پشیمان نگشت».

زائر، به‌ویژه کسی که سفر اول اوست، باید با اهل خرد و آنانی که در این سفر چند پیراهن بیش از او پاره کرده‌اند، درباره صرف عمر گران‌بهایش و رفت و آمدش به حرم‌های مدینه و مکه و درباره بهره‌برداری بیش از پیش مشورت کند، تا به عبادتی کامل و زیارتی جامع و مناسکی قابل قبول دست یابد؛ چرا که ممکن است این سفر، اولین و آخرین سفر حجّش باشد و دیگر بار، هرگز اتفاق نیفتد!

اما همان‌گونه که اشاره شد، با خردمندان و دلسوزان

۱- امالی، طوسی، ص ۱۳۶.

ص: ۶۰

باید مشورت کرد؛ نه با همه کس! مشورت با برخی، انسان را دچار زیان و محرومیت از فیوضات الهی می‌کند.

رسول خدا(ص) به امیرمؤمنان(ع) می‌فرمود:

«لَا تُشَاوِرْ جَبَاناً فَإِنَّهُ یُضَیِّقُ عَلَیْکَ الْمَخْرَجَ وَ لَا تُشَاوِرِ الْبَخِیلَ فَإِنَّهُ یَقْصُرُ بِکَ عَنْ غَایَتِکَ وَ لَا تُشَاوِرْ حَرِیصاً فَإِنَّهُ یُزَیِّنُ لَکَ شَرَّهَا»؛ (۱)

«با ترسو مشورت مکن؛ زیرا او راه حل مشکلات را برتو تنگ می‌کند، با بخیل مشورت نداشته باش؛ زیرا تو را از هدف مثبت بازمی‌دارد، با حریص به مشورت منشین؛ زیرا او طمع و آز را در نظرت نیکو جلوه می‌دهد».

حضرت صادق(ع) می‌فرماید:

«شَاوِرْ فِی أَمْرِکَ الَّذِینَ یَخْشَوْنَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ»؛ (۲)

«در کارهای خود با کسانی مشورت کن که از عظمت خدای عزوجل در هراس‌اند».

۲۱. گفت‌وگوهای سازنده

زائر در طول سفر به دور از غوغای زندگی و امور خسته‌کننده، در گردونه فرصتی با ارزش و فراغتی ملکوتی قرار می‌گیرد؛ بنابراین بر او لازم است که بخشی از آن فرصت را هزینه گفت و گوی دینی، تربیتی، علمی و

۱- علل الشرایع، ص ۵۵۹.

۲- بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۲۶۱.

ص: ۶۱

اخلاقی با اهل فن کند. به ویژه سؤالاتی را که در زمینه عقاید، احکام، حلال و حرام و دنیا و آخرت دارد، با اهلش در میان گذاشته، از این طریق خود را به دانش دینی و آگاهی لازم در جهت تأمین سعادت دنیا و آخرتش بیاراید.

اسلام، تشکیل چنین محافل علمی و استفاده از دانش عالم را- گرچه میان دو نفر باشد- از اعظم عبادات شمرده و موجب پاداش بی‌نهایت، کلید درهای بهشت، ضامن سعادت دنیا و آخرت انسان و سبب تحولات روحی و اخلاقی دانسته است.

از امیرمؤمنان(ع) روایت شده:

«أیّها النّاس، طُوبَی لِمَنْ شَغَلَهُ عَیْبُهُ عَنْ عُیُوبِ النَّاسِ وَ تَوَاضَعَ مِنْ غَیْرِ مَنْقَصَهٍ وَ جَالَسَ أَهْلَ الْفِقْهِ وَ الرَّحْمَهِ وَ خَالَطَ أَهْلَ الذُّلِّ وَ الْمَسْکَنَهِ وَ أَنْفَقَ مَالًا جَمَعَهُ فِی غَیْرِ مَعْصِیَهٍ»؛ (۱)

«ای مردم! خوشا به حال کسی که توجه به عیوب خودش، او را از پی‌گیری عیوب دیگران باز دارد، و بدون داشتن کمبود و نقص به فروتنی و خاکساری در جای خودش تن در دهد، و با اهل بصیرت و بینش همنشین شود، و با تهیدستان و فقیران همزیستی و آمد و شد داشته باشد، و مالی

۱- بحار الانوار، ج ۱، ص ۱۵۶.

ص: ۶۲

را که از راه حلال و بدون معصیت به دست آورده، در راه حق هزینه کند».

امام رضا(ع) نیز می‌فرماید:

«مَنْ جلَسَ مَجْلِساً یُحْیا فِیهِ أَمْرُنَا لَمْ یَمُتْ قَلْبُهُ یَوْمَ تَمُوتُ الْقُلُوب»؛ (۱)

«کسی که در جلسه‌ای شرکت کند و در آن جلسه [فقه و حلال و حرام و] احکام ما را با بحث و گفت‌وگو به پا دارد روزی که دلها می‌میرند، قلب او نخواهد مرد».

پیشوای ششم امام صادق(ع) به داود بن سرحان فرمود:

«یَا دَاوُدُ أَبْلِغْ مَوَالِیَّ عَنِّی السَّلَامَ وَ أَنِّی أَقُولُ رَحِمَ اللَّهُ عَبْداً اجْتَمَعَ مَعَ آخَرَ فَتَذَاکَرَا أَمْرَنَا فَإِنَّ ثَالِثَهُمَا مَلَکٌ یَسْتَغْفِرُ لَهُمَا وَ مَا اجْتَمَعَ اثْنَانِ عَلَی ذِکْرِنَا إِلَّا بَاهَی اللَّهُ تَعَالَی بِهِمَا الْمَلَائِکَةَ فَإِنِ اجْتَمَعْتُمْ فَاشْتَغِلُوا بِالذِّکْرِ فَإِنَّ فِی اجْتِمَاعِکُمْ وَ مُذَاکَرَتِکُمْ إِحْیَاءَنَا وَ خَیْرُ النَّاسِ بَعْدَنَا مَنْ ذَاکَرَ بِأَمْرِنَا وَ دَعَا إِلَی ذِکْرِنَا»؛ (۲)

«ای داود! به دوستانم از جانب من سلام برسان و بگو این گفته من است: خدا رحمت کند بنده‌ای را که با دیگری می‌نشیند و از فرهنگ و فقه و علوم

۱- بحار الانوار، ج ۱، ص ۱۵۶.

۲- همان، ص ۱۵۷؛ امالی، طوسی، ص ۲۲۸.

ص: ۶۳

ما گفت‌وگو می‌کند. یقیناً سومین نفر آنان فرشته‌ای است که برای آن دو نفر طلب آمرزش می‌کند. و هرگاه دو نفر درباره فرهنگ ما گفت‌وگو کنند، خداوند با آن دو نفر به فرشتگان مباهات می‌کند؛ پس هنگامی که در امور الهی اجتماع کردید، به پرسش و پاسخ‌های مسائل تربیتی مشغول شوید؛ زیرا در اجتماع و گفت‌وگوی شما، زنده کردن یاد و مکتب ماست، و بهترین مردم پس از ما، کسی است که درباره امور ما گفت‌وگو کند و مردم را به یاد ما دعوت کند.

رسول خدا(ص) در حدیثی زیبا فرموده:

«الْمُتَّقُونَ سَادَةٌ وَ الْفُقَهَاءُ قَادَةٌ وَ الْجُلُوسُ إِلَيْهِمْ عِبَادَةٌ»؛ (۱)

«اهل تقوا سرورند، فقیهان رهبرند، و نشستن نزد آنان [برای بهره گیری از بینش و دانششان] عبادت است».

حضرت رضا(ع) از پدرانش از رسول خدا(ص) روایت می‌کند:

مُجَالَسَةُ الْعُلَمَاءِ عِبَادَةٌ وَ النَّظَرُ إِلَى عَلِيٍّ(ع) عِبَادَةٌ وَالنَّظَرُ إِلَى الْبَيْتِ عِبَادَةٌ وَ النَّظَرُ إِلَى الْمُصْحَفِ عِبَادَةٌ وَالنَّظَرُ إِلَى الْوَالِدَيْنِ عِبَادَةٌ»؛ (۲)

«نشستن با دانشمندان برای بهره‌گیری از علمشان،

۱- امالی، طوسی، ص ۲۲۹.

۲- بحار الانوار، ج ۱، ص ۱۶۰.

ص: ۶۴

و نگاه به علی(ع)، و چشم دوختن به کعبه، و نظر کردن به قرآن و نگاه به پدر و مادر عبادت است».

زائر عزیز بـا توجه به این روایـات بسـیار مهم که گوشه‌ای از روایات فراوان باب گفت‌وگوی علمی و دینی است، بخشـی از فرصـت خود را در سـفر حـج که دارای فراغت هستی هزینه گفت‌وگوی دینی و علمی و اخلاقی کن، تا بیش از پیش به کرامت و صـدق و تربیت و آداب انسانی آراسـته شوی، و ثواب و پاداش عظیمی برای آخرت خود ذخیره نمایی، و از این طریق رضایت حق و پیامبر و ائمه طاهرین را جلب کنی و به معنویت زیارت خود بیفزایی.

۲۲. پندپذیری

انسان همواره نیازمنـد موعظه و پنـد است. موعظه و پنـد، غـذای معنوی و ملکوتی است که باطن و روح انسان را پرورش می‌دهـد و زمینه سعادت و خوشبختی را در دنیا و آخرت فراهم می‌کند.

پندپـذیری، اخلاق صالحان و اولیاست. پندپذیری؛ یعنی این که انسان از هر حادثه، جریان و گفتار مناسبی عبرت بگیرد و آن تجربه را به کار بندد.

«پندپذیری»، مردی شراب‌خوار، عیاش و غافل چون «بشر حافی» را به گردونه دین، معرفت، عرفان، و توبه

ص: ۶۵

واقعی کشانید و او را تبدیل به یکی از اولیای خدا کرد.

فضیل عیاض که مردی راهزن، دزد و مجرم بود، با پند و اندرز به مقام والای انسانیت و اوج عرفان عملی رسید.

سدیدالدین حمصی، نخود فروشی از اهل ری بود که در اثر گوش شنوا داشتن در سن پنجاه سالگی به مدرسه علوم اسلامی رفت و تبدیل به عالمی فرهیخته، و فقیهی بزرگ، و نویسنده‌ای توانا گردید.

و بالاخره سکاکی که چاقوسازی بی‌سواد، غریب و ناشناخته بود، به ادیبی بزرگ، و لغت‌شناسی کم‌نظیر تبدیل شد.

«پندپذیری»، کافر را مسلمان، مشرک را مؤمن، بی‌خبر را آگاه، جاهل را عالم، متوقف را متحرک، مجرم را توبه کار و بی‌هنر را هنرمند می‌نماید.

حضرت جواد الائمه(ع) در روایتی بسیار مهم می‌فرماید:

«المُؤْمِنُ یَحْتاجُ إلی تَوْفِیقٍ مِنَ اللهِ، وَواعِظٍ مِن نَفْسِهِ، وَقَبُولٍ مِمَّنْ یَنْصَحُهُ»؛ (۱)

«مؤمن به توفیقی از جانب خدا، و پند دهنده‌ای از درونش، و پذیرش پند و نصیحت از کسی که او را پند می‌دهد، نیازمند است».

۱- جامع احادیث الشیعه، ج ۲۰، ص ۱۹۵.

ص: ۶۶

۲۳. الگوی عملی شدن برای دیگران

زائر، به ویژه زائری که علاقه‌مند به اهل بیت و شیعه است، باید برای دیگر زائران الگو باشد، و به گونه‌ای رفتار نماید که سایرین به اهل‌بیت علاقه‌مند شده، به مکتب امامان شیعه بگروند.

«شیعه» در مدینه و مکه باید سفیر امامان باشد و مردان با رفتار نیک و زنان با رعایت حجاب و عفت در حرم‌ها و بازارها معرّف شخصیت پیشوایان معصوم گردند.

عمروبن‌سعید از یاران امام‌صادق(ع) بود و در شهری غیر از مدینه زندگی می‌کرد. روزی به آن حضرت گفت:

ای فرزند رسول خدا! من دیر به دیر، شما را زیارت می‌کنم، مرا پندی ده که آن را به کار بندم. حضرت فرمود:

تو را به خودداری از هرگناهی به خاطر خدا، و به پاکدامنی و کوشش در عبادت و کار خیر سفارش می‌کنم. بدان که اگر کوشش و فعالیت مثبت همراه پاکدامنی نباشد، سودی ندارد. (۱)

۲۴. ... در پریشان حالی و درماندگی!

در سفر حج، گاهی برای زائران پیش آمدهای ناگواری اتفاق می‌افتد؛ پیش‌آمدهایی از قبیل: گم کردن

۱- بحار الانوار، ج ۷۰، ص ۳۰۹.

ص: ۶۷

پول و گذرنامه، بیماری، احساس غربت، دلتنگی و ... در این گونه موارد بر زائران دیگر اخلاقاً واجب است که دوست زائر خود را تنها نگذارند و برای رفع مشکلات او اقدام نمایند، مثلًا در صورت گم شدن پولش، باحفظ کرامت او به یاری وی بشتابند و یا برای یافتن مدارکش اقدام کنند و در صورت بیماری برای علاجش به او کمک کرده، وی را به دکتر یا به بیمارستان برسانند و ... و بدین ترتیب از احساس غربت او کاسته، دلتنگی او را به هر صورت که می‌توانند برطرف کنند.

رسول‌خدا(ص) درباره رعایت حال و حقوق برادران دینی و لزوم یاری دادن به آنان و تنها نگذاشتن آنان در پیش‌آمدها می‌فرماید:

«الْمُسْلِمُ أَخُو الْمُسْلِمِ لَا يَظْلِمُهُ وَ لَا يَشْتِمُهُ مَنْ كَانَ فِی حَاجَةِ أَخِيهِ كَانَ اللَّهُ فِی حَاجَتِهِ وَ مَنْ فَرَّجَ عَنْ مُسْلِمٍ كُرْبَةً فَرَّجَ اللَّهُ عَنْهُ بِهَا كُرْبَةً مِنْ كُرَبِ الْقِيَامَةِ وَ مَنْ سَرَّ مُسْلِماً سَرَّهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ»؛ (۱)

«مسلمان، برادر مسلمان است؛ از این‌رو به او ستم نمی‌کند و او را دشنام نمی‌دهد. کسی که در مقام انجام حاجت برادر دینی‌اش برآید، خدا حاجت او را روا می‌کند وهرکس رنجی رااز مسلمانی برطرف

۱- جامع احادیث الشیعه، ج ۲۰، ص ۳۰۱.

ص: ۶۸

کند، خدا رنجی از رنج‌های قیامت او را برطرف می‌نماید وهرکس‌مسلمانی‌را خوشحال کند، خداوند در روز قیامت او را خوشحال خواهد کرد».

۲۵. پرهیز از احترام بی‌مورد

گاهی، افراد در برابر ثروتمندان و صاحب‌منصبان به خاطر ثروت، قدرت و ریاستشان تواضع و فروتنی می‌کنند، و نسبت به آنان کرنش می‌نمایند؛ در حالی که مسلمان باید کرامت و ارزش خود را حفظ کند و جز در برابر خدا و اولیای او و اهل ایمان تواضع ننماید.

زائر باید توجه داشته باشد که در حرم امن الهی همه یکسان و برابرند؛ منصب و قدرت و ثروت، مطرح نیست و نباید ثروت ثروتمند و منصب اهل منصب برای زائر حق مطرح باشد. زائر باید با این گونه افراد- که احتمالًا در کاروان یا در اتاق او هستند- به صورتی متعارف و مورد پسند اسلام رفتار کند و از احترام بی‌جا نسبت به این گونه افراد بپرهیزد.

امیرمؤمنان(ع) درباره تواضع و احترام بی‌جا می‌فرماید:

«مَنْ أَتَی غَنِیّاً فَتَوَاضَعَ لَهُ لِغِنَاهُ ذَهَبَ ثُلُثَا دِینِهِ»؛ (۱)

۱- نهج البلاغه، حکمت ۲۲۸.

ص: ۶۹

«هرکه نزد توانگری رود و به خاطر ثروت و توانگری‌اش در برابر او فروتنی کند، دو سوم دینش نابود می‌شود».

و نیز آن حضرت فرموده:

«مَا احسن تَواضُعُ الأغنیاء لِلْفُقَرَاءطَلَباً لِما عِندَالله، وَأحْسَنَ مِنْهُ تیهُ الفُقَراء عَلی الأغنیا اتّکالًا عَلی اللهِ»؛ (۱)

«چه نیکوست تواضع ثروتمندان در برابر تهیدستان به نیت رسیدن به پاداش و رحمت حق، و نیکوتر از آن بی‌اعتنایی فقیران در برابر ثروتمندان به خاطر اعتماد به خدا».

زائر برای حفظ اخلاق کریمه، بهتر است با کسانی که در اخلاق از او برتر و یا هم سطح او هستند، معاشرت و نشست و برخاست کند، و تا جایی که می‌تواند، ثروتمندان و صاحبان دولت و منصب را با زبانی خوش و رفتاری نرم به حقایق دینی و به عدالت و مروّت دعوت کند، و از راهنمایی آنان برای هزینه کردن ثروتشان در راه خدا، و استفاده کردن از منصبشان برای حلّ مشکلات مردم دریغ نورزد.

۲۶. رعایت حقوق متعارف

بر زائر لازم است که نام و شهرت همسفران، و به ویژه

۱- نهج البلاغه، حکمت ۴۰۶.

ص: ۷۰

هم اتاقی‌ها را بپرسد و به ذهن بسپارد، و هنگام صدا کردن آنان با صدای آهسته و با شکلی محترمانه و با رعایت ادب اسلامی آنان را صدا بزند. همچنین حدود شرعی را در گفتار خود نسبت به همسفران مراعات نماید و از بی‌پروایی و بی‌احترامی نسبت به میهمانان خداوند در گفتار و رفتار پرهیز نماید؛ زیرا رفتار و سخن نیک و رعایت ادب در کلام، سبب جلب محبت دیگران به انسان است.

زائر باید به هم‌اتاقی‌اش احترام کند، و در نشست و برخاست ادب را رعایت نماید و نسبت به هم‌کاروانیان لطف و محبت بورزد.

اما همه اینها به این معنا نیست که اصلًا شوخی و مزاح نکند و همواره خشک و جدّی برخورد نماید؛ بلکه تا جایی که به شخصیت خود و اطرافیان لطمه نخورد، خنده و شوخی لازم است.

رسول گرامی اسلام(ص) درباره مزاح و مدارای با همگان و خنده می‌فرماید:

«انَّ اللّه لا یُؤاخِذُ المزاحَ الصادِق فی مُزاحِهِ»؛ (۱)

«خداوند، انسان شوخ طبع را که در مزاح و شوخی‌اش اهل صدق باشد [و به قصد آزار مؤمن و مسلمانی شوخی نکند] مؤاخذه نمی‌کند».

اما باید توجه داشت که شوخی بی‌جا و خنده بسیار،

۱- کنز العمال، ج ۳، ص ۶۴۹.

ص: ۷۱

از ارزش فرد می‌کاهد و دیگران را بر او دلیر می‌کند. (۱)

۲۷. تماس با بستگان نزدیک

ممکن است بعضی از اقوام زائر با کاروانی دیگر به سفر حج مشرّف شده باشند؛ از این رو خوب است به عنوان «صله رحم» به ملاقات هم بروند و احوال یکدیگر را بپرسند و چنان‌چه گرفتاری دارند، آن را برطرف نمایند.

رسول خدا(ص) می‌فرماید:

«أُوصِی الشَّاهِدَ مِنْ أُمَّتِی وَ الْغَائِبَ مِنْهُمْ وَ مَنْ فِی أَصْلَابِ الرِّجَالِ وَ أَرْحَامِ النِّسَاءِ إِلَی یَوْمِ الْقِیَامَهِْ أَنْ یَصِلَ الرَّحِمَ وَ إِنْ کَانَتْ مِنْهُ عَلَی مَسِیرَهِْ سَنَهٍْ فَإِنَّ ذَلِکَ مِنَ الدِّین»؛ (۲)

«به حاضر و غایب از امتم و آنان که تا روز قیامت در صلب مردان و رحم زنان هستند، سفارش می‌کنم که صله رحم انجام دهند اگرچه مسیر یکسال راه باشد، چرا که صله رحم، از دین است».

و نیز آن حضرت فرمود:

«مَا مِنْ ذَنْبٍ أَجْدَرَ أَنْ یُعَجِّلَ اللَّهُ لِصَاحِبِهِ الْعُقُوبَهَْ فِی الدُّنْیَا مَعَ مَا ادَّخَرَهُ فِی الْآخِرَهِْ مِنَ الْبَغْی وَ قَطِیعَهِْ الرَّحِم»؛ (۳)

۱- ر. ک: وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۴۷۸؛ نهج الفصاحه، ص ۴۲۵.

۲- مشکاهٔ الانوار، ص ۲۸۷.

۳- همان، ص ۲۸۷ و ۲۸۸.

ص: ۷۲

«گناهی از تجاوز و قطع رحم سزاوارتر نیست که خدا نسبت به عقوبتش در دنیا شتاب کند، علاوه بر عذابی که در آخرت ذخیره می‌شود».

بنابراین با توجه به اهمیت روایات فراوانی که درباره صله رحم آمده، خوب است انسان- چه در شهر و دیار خود و چه در سفر معنوی حج- به این مهم بپردازد و موجبات رضایت خداوند را بیش از پیش فراهم آورد.

۲۸. رعایت مسائل اخلاقی

بر زائر لازم است که در طول سفر نسبت به همگان، به ویژه نسبت به هم‌اتاقی‌هایش مسائل عالی اخلاقی را- که هرکدام راهی به سوی رحمت خداست- مراعات کند؛ پاره‌ای از این مسائل عبارت‌است‌از: اجتناب از گفت‌وگوها و بحث‌های بیهوده، و مسائلی که سودی برای طرفین ندارد، و چه بسا سبب رنجش و دلتنگی و کینه گردد، حفظ حریم طرف، پرهیز از سخن‌های زشت و ناروا و ...

رسول گرامی‌اسلام(ص) می‌فرماید:

«أَعْظَمُ النَّاسِ قَدْراً مَنْ تَرَکَ مَا لَا یَعْنِیه»؛ (۱)

«با ارزش‌ترین مردم کسی است که هرچیز بیهوده را ترک کند [و هرگز وارد آن نگردد]».

۱- امالی، شیخ صدوق، ص ۲۸.

ص: ۷۳

امیرمؤمنان علی(ع) نیز می‌فرماید:

«دَعُوا الْفُضُولَ یُجَانِبْکُمُ السُّفَهَاء»؛ (۱)

«گفتار و کردار بیهوده و بی‌معنا را واگذارید تا سبک مغزان از شما دوری نمایند».

و نیز آن حضرت در جایی دیگر می‌فرماید:

«رُبَّ لَغوٍ یجلِبُ شَرّاً»؛ (۲)

«بسا گفتار بیهوده و کردار سبک و بی‌معنا که شرّ و زیانی به دنبال دارد».

یکی از خصلت‌های نیکو نسبت به همسفران و به خصوص به هم‌اتاقی‌ها، ابراز دوستی و محبت است؛ چرا که اظهار دوستی و محبت، سبب جلب محبت و دوستی دیگران نسبت به انسان می‌شود. درجای‌جای کتاب آسمانی ما، خداوند دوستی و محبتش را به مؤمنان، صابران، متقیان، متوکلان، محسنان، تائبان، پاکان و عادلان ابراز کرده است، از جمله در آیات زیر:

(فَسَوْفَ یَأْتِی اللَّهُ بِقَوْمٍ یُحِبُّهُمْ وَیُحِبُّونَهُ) (۳)؛(وَاللَّهُ یُحِبُّ الصَّابِرِینَ) (۴)؛(فَإِنَّ اللَّهَ یُحِبُّ الْمُتَّقِینَ) (۵)؛(إِنَّ اللَّهَ یُحِبُّ الْمُتَوَکِّلِینَ) (۶)؛(وَ اللَّهُ یُحِبُّ الْمُحْسِنِینَ) (۷)؛(إِنَّ اللَّهَ یُحِبُّ التَّوَّابِینَ

۱- بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۵۳.

۲- غرر الحکم، ص ۵۲۹۰.

۳- مائده/ ۵۴.

۴- آل عمران/ ۱۴۶.

۵- همان/ ۷۶.

۶- همان/ ۱۵۹.

۷- آل عمران/ ۱۳۴.

ص: ۷۴

وَیُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِینَ) (۱)؛(إِنَّ اللَّهَ یُحِبُّ الْمُقْسِطِینَ) (۲).

بنابراین زائر باید از آیه‌های نورانی «قرآن» سرمشق گرفته، نسبت به همسفرانش- که اهل ایمان و مهمان خدا هستند- دوستی و محبتش را اظهار نماید.

زائر باید نسبت به دوستانش بهترین دوست باشد تا مبادا در محیط امن الهی به فرموده امیرمؤمنان، موجب سلب آسایش دوستان خود گردد.

امام علی(ع) در روایتی می‌فرماید:

«شَرُّ الْإِخْوَانِ مَنْ تَکَلَّفَ لَهُ»؛ (۳)

«بدترین برادران، کسی است که باعث زحمت و تکلّف [دیگران] گردد».

نرم و آهسته سخن گفتن و گزیده گویی، از دستورهای بسیار مهم اسلام است که مراعاتش بر همگان واجب اخلاقی است.

زائری که برای جلب رضایت حق و یاری دادن به میهمانان الهی، و کمک به همسفران و هم اتاقی‌ها به خدمت برمی‌خیزد، لازم است خدمت خود را هرچند بزرگ باشد، کوچک و ناچیز انگارد، و در مقابل، خدمت دیگران را هرچند اندک و کم باشد، بزرگ بشمارد و آن

۱- بقره/ ۲۲۲.

۲- آل عمران/ ۱۳۴.

۳- میزان الحکمه، ج ۱۱، ص ۵۲۳.

ص: ۷۵

را جبران نماید. و از منّت گذاشتن به افراد به خاطر خدمتی که به آنان نموده، جداً بپرهیزد، که منّت‌گذاری به قول قرآن مجید یقیناً سبب باطل شدن عمل و محرومیت خادم از رحمت و فضل خدا می‌شود.

۲۹. گریز از مواضع تهمت

بر مؤمن واجب است در هر حال و هرکجا، و در هر شرایطی که ممکن است سبب ایجاد تهمت گردد و به آبرویش زیان برسد، اجتناب نماید.

از امیرمؤمنان(ع) روایت شده:

«مَنْ وَضَعَ نَفْسَهُ مَوَاضِعَ التُّهَمَةِ فَلَا يَلُومَنَّ مَنْ أَسَاءَ بِهِ الظَّن»؛ (۱)

«کسی که خود را به دست خود در مواضع تهمت قرار می‌دهد، نباید آن را که به او سوء ظن می‌برد، سرزنش کند».

حضرت صادق(ع) می‌فرماید:

«مَنْ دَخَلَ مَوْضِعاً مِنْ مَوَاضِعِ التُّهَمَةِ فَاتُّهِمَ فَلَا يَلُومَنَّ إِلَّا نَفْسَهُ»؛ (۲)

«کسی که وارد بر جاهایی از موارد تهمت شود، و در میان مردم متهم گردد، باید خودش را سرزنش کند».

۱- جامع احادیث الشیعه، ج ۲۰، ص ۲۱۱ و ۲۱۲.

۲- همان.

ص: ۷۶

زائر بزرگواری که در کـاروان و در رفت و آمـدها و گفت‌وگو با دیگران در معرض دیـد و توجه آشـنایان، دوسـتان و اهل کاروان است، بایـد به گونه‌ای رفتار کند که از موارد اتهام دور باشد؛ و کاری نکند که مورد تهمت قرار گیرد؛ زیرا حفظ آبرو و شخصـیت در درجه اول، بر خود شخص واجب است و سپس بر دیگران.

از طرفی نیز همه مردم و اهل کاروان در طول سـفر حـج- که بالاترین سـفر معنوی است- باید توجه داشـته باشـند که تهمت زدن به اهل ایمان و به کسی که ادعای مسلمانی دارد، از گناهان بزرگ شمرده می‌شود و عقوبت آن در قیامت بسیار سنگین است.

از امام صادق(ع) روایت شده:

«مَنْ بَهَتَ مُؤْمِناً أَوْ مُؤْمِنَةً بِمَا لَيْسَ فِيهِ بَعَثَهُ اللَّهُ فِی طِينَةِ خَبَالٍ حَتَّى يَخْرُجَ مِمَّا قَالَ قُلْتُ وَ مَا طِينَةُ الْخَبَالِ قَالَ صَدِيـدٌ يَخْرُجُ مِنْ فُرُوجِ الْمُومِسَاتِ» یعنِی الزَّوانی؛ (۱)

«کسـی که به مردی مؤمن یـا زنی مؤمنه تهمت بزنـد، و آنچه از زشتی و گنـاه در او نیست براو ببنـدد، خـدا در قیامت او را در «طینه خبال» برمی‌انگیزد، تا آنچه را گفته ثابت کند. راوی می گوید که به حضرت گفتم: «طینه خبال»

۱- جامع احادیث الشیعه، ج ۲۰، ص ۵۴۴.

ص: ۷۷

چیست؟ حضرت فرمود: چرک و خونی که از بدن زنان زناکار خارج می‌شود!

امیرمؤمنان(ع) از رسول خدا(ص) روایت می‌کند:

«مَنْ بَهَتَ مُؤْمِناً أَوْ مُؤْمِنَةً أَوْ قَالَ فِيهِ مَا لَيْسَ فِيهِ أَقَامَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَى تَلٍّ مِنْ نَارٍ حَتَّى يَخْرُجَ مِمَّا قَالَ فِيه»؛ (۱)

«کسی که به مرد و زن مؤمنی تهمت بزند، و از آنچه در او نیست، سخن بگوید، خدا او را در قیامت در تلّی از آتش نگه می‌دارد تا آنچه را درباره مؤمن و مؤمنه گفته ثابت کند».

رسول خدا(ص) می‌فرماید:

«إِيَّاكُمْ وَ الظَّنَّ فَإِنَّهُ أَكْذَبُ الْحَدِيثِ»؛ (۲)

«از بدگمانی درباره همه بپرهیزید؛ زیرا بدگمانی، دروغ‌ترین سخن‌هاست».

۳۰. احترام به نظر صاحب نظران

زائر در این سفر- که از زیباترین عرصه‌های معنوی است- باید توجه داشته باشد که بالاترین و برترین صاحب‌نظر، خداوند است و سپس پیامبران به ویژه پیامبر عزیز اسلام(ص) و ائمه معصومین: و پس از آنان، فقهای عظام و دین‌شناسان و عارفان به معارف حق و حقیقت و

۱- جامع احادیث الشیعه، ج ۲۰، ص ۵۴۶.

۲- مستدرک الوسائل، ج ۹، ص ۱۴۷.

ص: ۷۸

دارندگان تجربه‌های مفید!

بنابراین بایـد با کمال انصاف و به دور از هرگونه تکبر، به نظر این صاحب نظران که جز مصلحت انسان و سعادت دنیا و آخرت او را نمی‌خواهند، احترام گذارده و نظر آنان را پذیرفته و در همه امور به کار بست.

اگر زائری از زائر دیگر نسبت به مناسک، یا مطلبی که در زندگی کاربرد دارد، یا خرید سوغاتی برای اهل و عیالش راهنمایی خواست، با کمال محبت و حوصله او را راهنمایی کند.

زائر در طول سفر به کسانی به عنوان مددکار برخورد می‌کند که از طرف ایران برای خدمت به حجاج به کار گرفته شده‌اند و آموزش‌های لازم را در وطن دیده‌اند، و هدف و نیتی جز خدمت خالصانه و مدد رساندن عاشقانه به زائر ندارند؛ بنابراین باید با مددکاران همکاری کرده، از راهنمایی آنان استفاده نماید و از مخالفت با ارشاد آنان بپرهیزد.

۳۱. عیادت از بیمار

هوای عربستان و تراکم جمعیت زائران از کشورهای مختلف، وعدم رعایت مسائل‌بهداشتی، زمینه‌بیماری بعضی از زائرانی است که از مصونیت کمتری برخوردارند.

چنان‌چه همسفر و زائری خدای ناخواسته بیمار شد،

ص: ۷۹

وظیفه اخلاقی و شرعی دوستان و آشنایانش این است که به هر صورت ممکن، زمینه درمان او را فراهم کنند، و وی را در آن دیار غربت در اتاق، یا بیمارستان تنها نگذارند.

عیادت از بیمار در هر کجا که باشد، ثواب دارد و اسلام بر آن اصرار و پافشاری نموده است.

معاویه بن وهب که از راویان برجسته شیعه و مورد لطف و محبت اولیای دین بوده، می گوید:

به حضرت صادق(ع) گفتم:

ما با قوم خود و دوستانمان میان مردم چگونه رفتار کنیم؟

حضرت فرمود:

امانتشان را به آنان بازگردانید، به نفع یا به زیانشان به حق شهادت دهید، بیمارانشان را عیادت کنید و به تشییع جنازه آنان حاضر شوید. (۱)

۳۲. پرهیز از هدردادن وقت

برخی از زائران در سفری که ممکن است دیگر تکرار نشود، وقت گران‌بهای خود را به شب‌نشینی‌های بی‌مورد در اتاق‌ها و بخصوص در مشاهد مشرفه و بویژه در مسجدالحرام می گذرانند. درست است که حتی نشستن در مسجدالحرام و نگاه به کعبه ثواب دارد، اما چرا با

۱- کافی، ج ۲، ص ۶۳۵.

ص: ۸۰

قرائت قرآن و ذکر خدا همراه نباشد؟

گوهر وقت بدین خیرگی از دست مده آخر این عمر گران مایه، بهایی دارد

هیزم سوخته شمع ره و منزل نشود باید افروخت چراغی که ضیایی دارد

صرف باطل نکند عمر گرامی پروین آنکه چون پیرخرد راهنمایی دارد (۱)

آیهٔ الله مامقانی جز در روز عاشورا، درس و مطالعه و نوشتن را تعطیل نمی‌کرد و علامه امینی در شبانه روز ۱۷ ساعت به مطالعه و نوشتن می‌پرداخت تا کتاب «الغدیر» را به جهان عرضه کرد.

خواجه نصیرالدّین طوسی پس از حملات مغول که جز کشتن و ویران کردن و سوزاندن کاری نداشتند- عمرش را برای نجات کشور، تعلیم و تعلّم، تألیف و تصنیف، ساختن رصدخانه مراغه و به وجود آوردن کتابخانه‌ای حاوی چهارصد هزار جلد کتاب علمی سپری کرد.

هرکسی که بهره‌ای از عمرش برده، تلاشی مستمر و پیگیر داشته و اوقات خود را به بطالت نگذرانده است.

پس ای زائر محترم! حدود یک‌ماه در مدینه و مکه

۱- پروین اعتصامی.

ص: ۸۱

هستی؛ بایـد از این وقت محدود، بهره نامحدود ببری و از این فرصت اندک، تجارتی بسیار سودمند نصیب خود سازی و بدانی که فردای قیامت در برابر لحظه لحظه عمر و حتی برای هر نفسی که کشیده‌ای و نسبت به هر نعمتی که در اختیارت قراردادند، مسئول‌خواهی‌بود و مورد بازپرسی!

۳۳. تشییع جنازه

اگر زائری در طول سفر به جوار رحمت حق برود، بر زائران کاروان و دیگر کاروان‌ها لازم است در تشییع جنازه او شرکت کنند، و در مراسمش حاضر شده، با مصیبت‌دیدگان اظهار همدردی نمایند، و به هر صورتی که ممکن است از غم آنان بکاهند؛ چرا که به قول سعدی:

بنی آدم اعضای یکدیگرند که در آفرینش ز یک گوهرند چو عضوی به درد آورد روزگار دگرعضوها را نماند قرار

۳۴. شرکت در جلسات

معمولًا با هر کاروانی به تناسب تعداد افرادش، یک یا دو روحانی همراه می‌شود که وظیفه آموزش مناسک حج و رفع ایراد و اشکال زائران را برعهده دارند و در این راستا، جلساتی برگزار می‌کنند.

لازم است که زائران جهت فراگیری مسائل در آن جلسات حاضر شوند، و با گوش‌جان مسائل حج را بشنوند

ص: ۸۲

و بداننـد که اگر در این جلسـات پربهره حضور نیابنـد و به خاطر ندانسـتن مسأله‌ای، به خصوص در رابطه با ارکان حـج اشـتباهی از آنان سـرزند، به اصل حـج‌شان لطمه وارد می‌شود، از این رو لازم است با ارتباط با روحانی و آگاه ساختن وی از نحوه انجام اعمال خود مطمئن شوند.

زائر وقتی در «میقـات» محرم می‌شود، چنـد چیز بر وی حرام می‌شود؛ و حلیّت محرمـات احرام منوط به بیرون آمـدن از هویت احرام است، نه بیرون آمدن از دو حوله و لباس احرام!

بیرون آمـدن از هویت احرام به این است که مناسک حـج به طور صـحیح ادا شود و حج، مطابق مقررات فقه انجام گیرد. اگر غیر از این باشد، انسان محرم می‌ماند تا دوباره به حج برود و حجّی صـحیح انجام دهد تا آن چیزهایی که به واسطه احرام بستن حرام شده، دوباره حلال شوند.

دفع این زحمت عظیم، بـا حضور زائر در جلسـات بیـان مناسـک و گوش‌فرادادن به مسائـل و راهنمایی و همراهی روحانی کاروان و دیگر افراد آگاه به مسائل، قابل پیشگیری است.

۳۵. گذشت از لغزش دیگران

همه می‌دانیم که هیچ‌کدام از ما مصون از لغزش و اشتباه نیستیم. گاهی لغزش و خطا از روی فراموشی است

ص: ۸۳

و گاهی براساس خشم و زمانی نیز به صورت عمد انجام می‌گیرد. زائر باید با حوصله و بردباری و حفظ برنامه دوستی، بنا به حکم قرآن و پیامبر و امامان از لغزش و خطای همسفرانش درگذرد و یا حتی نسبت به آنان تغافل ورزد؛ یعنی به گونه‌ای نشان دهد که از لغزش و خطای طرف آگاه نشده است.

(خُذِ الْعَفْوَ وَ أْمُرْ بِالْعُرْفِ وَأَعْرِضْ عَنِ الْجاهِلِینَ)؛ (۱)

«راه عفو و گذشت را انتخاب کن، و همه را به نیکی و نیکوکاری فرمان بده، و از مردم نادان [که از پذیرفتن احکام و مقررات سعادت‌بخش اسلام امتناع می‌ورزند] روی بگردان».

امام صادق(ع) می‌فرماید:

سه چیز از ارزش‌ها و کرامت‌های دنیا و آخرت است:

۱. گذشت از کسی که به تو ستم روا داشته؛

۲. صله رحم با کسی که با تو قطع رحم نموده؛

۳. و بردباری درباره کسی که نسبت به تو نادانی کرده است. (۲)

۳۶. قبول عذرِ عذرخواهان

از نکات بسیار مهم اخلاقی که پرتوی از اخلاق خداست، پذیرفتن عذرِ عذرخواه است. از آنجا که

۱- اعراف/ ۱۹۹.

۲- مشکاة الانوار، ص ۴۰۳.

ص: ۸۴

عذرخواهی محصول تواضع و بیداری و پشیمانی است، واجب است برای حفظ شخصیتش عذرِ عذرخواه پذیرفته شود و برای وی از حضرت حق، طلب مغفرت و آمرزش گردد.

پذیرش عذر به اندازه‌ای مهم است که امام موسی بن جعفر(ع) با جمع کردن فرزندانش به آنان فرمود:

«یَا بَنِیَّ إِنِّی مُوصِیکُمْ بِوَصِیَّةٍ فَمَنْ حَفِظَهَا لَمْ یَضَعْ مَعَهَا إِنْ أَتَاکُمْ آتٍ فَأَسْمَعَکُمْ فِی الْأُذُنِ الْیُمْنَی مَکْرُوهاً ثُمَّ تَحَوَّلَ إِلَی الْأُذُنِ الْیُسْرَی فَاعْتَذَرَ وَ قَالَ لَمْ أَقُلْ شَیْئاً فَاقْبَلُوا عُذْرَهُ»؛ (۱)

«فرزندانم! شما را به مسأله‌ای سفارش می‌کنم که اگر آن را به کار بندید، از شخصیت و بزرگی نمی‌افتید؛ اگر کسی نزد شما آمد و سخن ناخوشایندی در گوش راست شما گفت، سپس در گوش چپتان عذرخواهی کرد و گفت: من چیزی نگفتم، عذرش را بپذیرید».

رسول خدا(ص) در وصیتی به امیرمؤمنان(ع) فرمود:

«یَا عَلِیُّ مَنْ لَمْ یَقْبَلِ الْعُذْرَ مِنْ مُتَنَصِّلٍ صَادِقاً کَانَ أَوْ کَاذِباً لَمْ یَنَلْ شَفَاعَتِی»؛ (۲)

«ای علی! اگر کسی عذر شخصی را که خود را از لغزش و گناه نسبت به او مبرّا و پاک می‌داند- چه راست گوید و چه دروغ- نپذیرد، به شفاعت من نمی‌رسد!».

۱- جامع احادیث الشیعه، ج ۲۰، ص ۴۹۰.

۲- همان، ص ۴۹۱.

ص: ۸۵

بنابراین اگر زائری در اثر اشتباهی عذر خواست، باید عذر او را پذیرفت و طوری رفتار کرد که گویی اتفاقی نیفتاده و با کرامت و بزرگواری، خطاکار را از عمل خود پشیمان ساخت.

۳۷. رعایت امور لازم

زائر باید توجه داشته باشد که برای حفظ حقوق و شخصیت دیگر زائران و هر مسلمانی، رعایت برخی چیزها لازم است، تا موجب آزردگی کسی نشود و حجّی مقبول از خود به یادگار بگذارد. در زیر برخی از این امور را یادآور می‌شویم:

۱. برای هدایت نا اهلان و توفیق نیافتگان دعا کند.

۲. به همه به ویژه به انسان‌های عالم و دانشمند و با کرامت و صاحب‌نام، احترام گذارد.

۳. از دوستانی که میهمان او می‌شوند، استقبال کرده و هنگام رفتنشان آنان را چند قدم بدرقه نماید.

۴. از سرفه و عطسه بلند- که گوش خراش و سبب رنجش دیگران شود- بپرهیزد.

۵. لطف و احسان دیگران و هدیه آنان را بپذیرد و از قبول آن امتناع نورزد.

۶. به افراد پیر و سالخورده احترام بگذارد و شأن آنان را رعایت نماید.

ص: ۸۶

۷. در حضور دیگران با دوست و هم اتاقی‌اش درگوشی صحبت نکند؛ زیرا این عمل، سبب برانگیختن سوءظن است.

۸. سخن خوب و مفید دیگران را قطع نکند، و با حوصله و بردباری گوش فرا دهد؛ شاید حقیقتی به گوش او برسد که عامل تحولی شگرف در زندگی‌اش گردد.

۹. در صورت اشتباه و خطای دیگران، نسبت به وی کینه و کدورتی به دل نگیرد، که خداوند دل کینه‌دار و آلوده به کدورت را دوست ندارد.

۱۰. از ورود به حریم شخصی و زندگی خصوصی، و پرسش از امور پنهان دیگران به شدت بپرهیزد.

۱۱. از زائران موفق و آنان که در عبادت پروردگار و خدمت به خلق نشاط دارند، الگو بگیرد و در آن راستا تلاش نماید.

۱۲. نسبت به همه خوشبین باشد و خود را در عبادت و خدمت و انجام کار خیر مقصر بداند، و از بدبینی- که از حالات شیطانی است- بپرهیزد.

۱۳. از تفحّص و تجسّس نقاط ضعف دیگران، آن هم با هدف ضربه زدن به شخصیت آنان، که در این سفر میهمان خدا هستند، جداً بپرهیزد.

۱۴. در آشتی دادن زائرانی که احیاناً با یکدیگر قهر

ص: ۸۷

کرده‌اند، بکوشد؛ چرا که امیرمؤمنان(ع) در وصیت شب بیست و یکم به فرزندانش فرمود:

از جدّتان رسول خدا(ص) شنیدم که:

«إِصْلَاحُ ذَاتِ الْبَيْنِ أَفْضَلُ مِنْ عَامَّةِ الصَّلَاةِ وَ الصِّيَام»؛

«اصلاح میان دو نفر از همه روزه‌ها و نمازها افضل و برتر است».

۱۵. به نماز اول وقت و به خصوص به جا آوردن آن در حرمین شریفین اهمیت داده، در صف نمازگزاران شرکت کند.

۱۶. به هنگام اذان و شروع نماز، از رفتن به سوی هتل جداً خودداری کند که این عمل، ضربه زدن به مکتب اهل‌بیت: و تشیع خواهد بود.

۱۷. از پرسیدن احکام مناسک حج از روحانی کاروان ابداً شرم و حیا نکند که گاهی ندانستن مسأله‌ای، سبب بطلان حج خواهد شد.

۱۸. در هنگام استراحت دیگران، پس از ناهار و یا شام سکوت و آرامش را رعایت کرده، باعث ایجاد مزاحمت برای دیگران نشود.

۱۹. از دست دادن و روبوسی با دیگران در صورت بیماری و به ویژه سرماخوردگی به شدت بپرهیزد؛ چرا که این کار ممکن است بیماری را به فرد مقابل

ص: ۸۸

انتقال دهد و اسباب زحمت گردد.

۲۰. امور و وظائف عمومی خود را بر دیگران تحمیل نکنـد و خود را میان دیگران تافته جدا بافته نداند؛ بلکه سـعی کند با کمک به دیگران باری از دوششان بردارد، که این خود نوعی عبادت و در حقیقت اطاعت خداست.

۲۱. به قـوانین و مقررات و سـنن عرفی کشور عربسـتان احـترام بگـذارد، که احـترام به مقررات و اجرای آنهـا نشـانه شخصـیت ایران اسلامی و مسلمان ایرانی است.

۲۲. از ضربه‌زدن به شخصیت دیگران و کوچک شمردن آنان که میهمان خدای مهربان هستند، به شدت بپرهیزد.

۲۳. به پیمانی که به عنوان توبه، یا ادای مناسک با خدا بسته و یا به تعهدی که نسبت به دیگران برعهده گرفته، وفادار باشد که وفای به عهد، نشانه ایمان به خدا و قیامت، و از ارزش‌های انسانی است.

۳۸. کنترل زبان از گفتار ناروا و بیهوده

از آنجـا که انسـان در سـفر فرصت بیشتری در اختیـار دارد و از مشاغـل و گرفتاری‌های وطن آزاد است، ممکن است پرحرفی کنـد؛ ولی زائر باید به صورتی جدّی مواظب زبان خود باشد، و بداند که زبان جِرْم و وزنش اندک،

ص: ۸۹

ولی جُرْم و گناهش بسیار زیاد و سنگین است.

غیبت، دروغ، تهمت، فحش، تحقیر، بیهوده گویی، و ... گناهانی است که زبان مرتکب می‌شود. بر زائر واجب شرعی و اخلاقی است که راه زبان را به روی این گناهان ببندد تا موجب محرومیت از رحمت حق نگردد.

آیات و روایات مربوط به زبان و کنترل آن، به اندازه‌ای زیاد است که در اینجا نمی گنجد؛ اما در زیر به چکیده‌ای از آنها اشاره می کنیم:

رسول خدا(ص) در روایاتی می‌فرماید:

«لا شَیءٍ أَحَقُّ بِالسِّجْنِ مِنَ اللِّسانِ»؛ (۱)

«هیچ چیزی به زندانی شدن سزاوارتر از زبان نیست».

«أَفضَلُ الصَّدَقَةِ حِفْظُ اللِّسانِ»؛ (۲)

«برترین صدقه، نگاه‌داشتن زبان [از یاوه گویی و گناهان مربوط به آن] است».

یکی از وظایف بسیار مهم انسان، حفظ زبان از افشای راز پنهان و اسرار و زشتی‌های پوشیده دیگران است.

در اهمیت و ارزش رازداری و حفظ زشتی‌های پنهان برادران دینی، به روایت بسیار ارزشمندی از امیرمؤمنان(ع) برمی‌خوریم.

۱- بحار الانوار، ج ۷۷، ص ۸۵.

۲- نهج الفصاحه، ص ۵۷۴ و ۵۷۵.

ص: ۹۰

آن حضرت می‌فرماید:

پیامبر(ص) به من فرمود: اگر مردی را در عمل زشتی دیدی، چه می کنی؟ گفتم: آن عمل زشت را بر او می‌پوشانم، فرمود: اگر دوباره دیدی [چه]؟ گفتم: لباس و عبایم را روی او می‌اندازم تا از دید دیگران پنهان بماند. و مرتبه سوم که پرسید، همان پاسخ را دادم. حضرت فرمود:

«لافَتی إلّا عَلیّ وَقالَ استُرُوا عَلی إخوانِکُم»؛ (۱)

«جوانمردی جز علی نیست و فرمود: ای مردم! زشتی‌ها را بر برادرانتان بپوشانید [و رازی که از آنان نزد شما آشکار شده، میان دیگران افشا نکنید]».

مسلمانان و به خصوص زائران حرم امن و سفیران مکتب اهل‌بیت: باید برای همه مردم و در همه حال، امین و امانت‌دار باشند و خود را صندوقچه اسرار، رازها، عیوب و زشتی‌های مکتوم و مخفی مردم قرار دهند.

۳۹. حفظ چشم از نگاه‌به نامحرمان

زائران حج معمولًا یا مجرد هستند، یا بدون همسر به زیارت رفته‌اند و یا اگر با همسر موفق به زیارت خانه خدا شده‌اند، به خاطر کثرت زائران و کمبود جا، به ناچار باید در طبقاتی از هتل جدای از یکدیگر باشند. و علاوه بر این

۱- جامع احادیث الشیعه، ح ۲۰، ص ۳۶۳.

ص: ۹۱

در احرام عمره تمتّع، و حجّ تمتّع باید به عنوان واجب شرعی محرمات احرام را رعایت کنند؛ از این جهت ممکن است شیطان دست به کار شده، آنان را به سوی غریزه شهوت سوق دهد؛ به خصوص زن نامحرمی که هنگام ادای مناسک حج گِردی صورتش باید بدون پوشش باشد. اینجاست که زائر باید توجه داشته باشد که هر لحظه امکان دارد از طریق چشم چرانی- آن هم در حرم امن الهی- در خطری عظیم قرار گیرد.

پس باید با کمک گرفتن از حضرت حق و توجه به قیامت، و برای این که حجّش آمیخته با چشم‌چرانی نگردد، از این گناه زشت(چشم‌چرانی و نگاه به صورت و اعضای ناموس دیگران) بپرهیزد.

امیرمؤمنان(ع) در روایاتی چنین می‌فرماید:

«الْعُیُونُ مَصَائِدُ الشَّیْطَانِ»؛ (۱)

«چشم‌ها دام‌های شیطان‌اند».

«عَمَی الْبَصَرِ خَیْرٌ مِنْ کَثِیرٍ مِنَ النَّظَرِ»؛ (۲)

«کوری چشم بهتر است از بسیاری از نگاه‌ها!».

«مَنْ أَطْلَقَ طَرْفَهُ کَثُرَ أَسَفُه»؛ (۳)

«کسی که چشمش را در نگاه کردن آزاد بگذارد، اندوهش بسیار می‌شود».

۱- میزان الحکمه، ج ۱۳، ص ۶۳۱۴- ۶۳۱۶.

۲- همان.

۳- همان.

ص: ۹۲

یکی از مسائل مهمی که امام رضا(ع) در پاسخ پرسش‌های محمد بن سنان نوشتند، این بود:

نگاه کردن به موی زنان شوهردار و دیگر زنان به این سبب حرام شده که باعث تحریک مردان می‌شود، و این تحریک، به فساد و ارتکاب اعمال حرام و ناشایست منتهی می‌گردد، هم‌چنین صورت و اندام زنان که مانند مو به علت زیبایی‌اش موجب تحریک و هیجان شهوت می‌شود. (۱) پیامبر اکرم(ص) درباره نتیجه خودداری از چشم‌چرانی می‌فرماید:

اگر مرد مسلمانی نگاهش به زنی افتد و چشم فروبندد، خدای تعالی توفیق عبادتی به او عنایت می‌کند که شیرینی‌اش را در دلش حس می‌کند. (۲)

۴۰. شکر و سپاس

زائر حرم امن الهی و میهمان پروردگار باید به این حقیقت توجه کند که حضرت دوست از میان چند میلیارد انسان، او را انتخاب نموده و توفیق گام نهادن در این سفر ملکوتی را نصیب او کرده است تا به مدینه و زیارت پیامبر بزرگ اسلام(ص)، فاطمه زهرا(س)، حضرت مجتبی، امام

۱- عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۹۷.

۲- کنز العمال، ۱۳۰۵۹.

ص: ۹۳

زین‌العابدین، امام باقر، حضرت صادق: و دیگر اولیای خدا در بقیع نایل شود، و به میقات‌گاه پیامبر و ائمه و عاشقان حق مشرف شود، لباس احرام برتن کند، تلبیه گوید، و همچون پروانه برِگرد خانه یار طواف کند و ... آیا این همه نعمت، سپاس و تشکر لازم ندارد؟!

خواجه نصیرالدین طوسی می‌گوید:

«باری، شکر از شریف‌ترین و برترین اعمال است، شکر تلافی نعمت است که به قول و فعل و نیت محقق می‌گردد، و برای این عبادت اشرف و افضل، سه رکن و سه اصل وجود دارد:

۱. شناخت نعمت دهنده و صفاتی که شایسته حضرت اوست؛ شناخت نعمت به این است که به حقیقت بدانی همه نعمت‌ها- چه نعمت‌های باطنی و چه ظاهری- از جانب اوست و غیر او مُنعم واقعی وجود ندارد و واسطه‌ها و عللی که میان ما و او در رسانیدن نعمت به ما قرار دارند، همه و همه جلوه‌گاه اراده او و مسخّر حکم او و سربه فرمان حضرت او هستند و هیچ استقلالی در این زمینه و زمینه‌های دیگر ندارند.

۲. حال؛ و آن فروتنی و تواضع و سرور درونی در کنار نعمت است به این که «نعمت» هدیه و عطایی است که دلالت بر عنایت منعم به انسان دارد و نشانه این فروتنی و تواضع نیز این است که به دنیا و آنچه در

ص: ۹۴

اوست، جز به اموری که تو را به مقام قرب می‌رساند، دل‌خوش نگردی.

۳. عمل؛ و این عمل باید ازسه عضو صادر گردد: قلب، زبان و جوارح.

اما عمل قلب، به این است که تعظیم و تحمید و تمجید منعم را پیوسته در نیت داشته باشی، و در افعال و صنایع و آثار لطفش به اندیشه و تفکر برخیزی، تا از طریق این اندیشه صحیح به او برسی، و عزم و تصمیمت به طور دائم بر این باشد که به تمام مردم از نعمت‌هایی که در اختیارت قرار داده‌اند، خیر و احسان و نیکی‌نمایی و حتی از ذره‌ای بخل و دریغ، دلت را پاک نگاه داری.

اما عمل زبان، به این است که حمد و تسبیح و تهلیل قلبی را اظهار نمایی و از خدا و نعمت‌هایش همه جا سخن بگویی، و از بیان کلمات شکر مانند «الحمدلله» غافل‌نمانی و با زبانت- که نعمتی عظیم از نعمت‌های اوست- امر به معروف و نهی از منکر کنی و به هدایت مردم مشغول باشی.

و سرانجام عمل اعضا و جوارح، به این است که همه نعمت‌ها را- چه ظاهری و چه باطنی- در طاعت و عبادت و خدمت به کارگیری و از این که نعمت‌های الهی را در معصیت و مخالفت با حق مصروف داری، سخت بپرهیزی ...».

ص: ۹۵

بـا دقت در این معنایی که از «شـکر» ارائه شـد و جز این هم براساس آیات و روایات معنایی نـدارد، روشن شـد که شـکر از صـفات کمـال است و شـکر کامـل در میـان اکثر مردم محقق نمی‌شود و آنان که شـکر را به این صورت- که صورت کامل شـکر است- به جای آورند، اندک‌اند؛ چنان که قرآن می‌فرماید:

(وَقَلِيلٌ مِنْ عِبادِيَ الشَّكُورُ). (۱)

امید است زائران عزیز، و میهمانان خدای مهربان، این امور چهل‌گانه را- که آداب روحی و تربیتی است- در طول سفر به کار بندند و از این راه حجّی نسـبتاً کامل و قابل قبول حق انجام دهنـد و در جای‌جای و لحظه‌لحظه این سـفر، اخلاص و خلوص نیت را- که به حق مایه حقیقی قبولی حج است- رعایت نمایند.

۱- سبأ/ ۱۳.

درباره مرکز

بسم الله الرحمن الرحیم

جاهِدُوا بِأَمْوالِكُمْ وَ أَنْفُسِكُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِكُمْ خَیْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه

ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : -۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-IR۹۰ ۵۳-۰۶۰۹به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».


مرکز تحقیقات رایانه‌ای
قائمیه
اصفهان


WWW